

اتحاد و مبارزه کارگران، دشمنان و همه زحمتکشان آذربایجان توطئه‌های سرمایه داری لیبرال را درهم خواهد شکست

● برای عمیق بخشیدن هر چه بیشتر مبارزه ضد امپریالیستی کارگران و زحمتکشان، قدرت طلبی لیبرالهای ضد انقلاب را درهم بشکنیم.

خلق قهرمان آذربایجان در ماه‌های قبل از سقوط شاه در آن روزهایی که زحمتکشان

سپه‌ن مایه باخاسته و کمر بسته سرنگونی رژیم دیکتاتوری شاه و امپریالیسم جهانخواه بسته بودند، در آن روزها که کارگران قهرمان سپه‌ن مایه کارخانه بسته اعتصاب‌های طولانی مدت دست زده، چرخ تولید سرمایه داری را از حرکت باز داشته بودند.

بقیه در صفحه ۱۰

تحصن کارگران بیکار و مبارزه ضد امپریالیستی

اکنون میسوم و آنارشیسیم

در حرف با هم دشمن اند، ولی در عمل دست همدیگر را

می فشارند

دست می‌زنند. آنها در اینکار به اشکال مختلف مبارزه رومی آوردند ولی همانطور که بعد از تمام دیده‌ایم اشکال عمده مبارزه آنها تحصن و راهپیمایی بوده و هر زمان که

بیکاری یکی از مسائلی است که زائیده نظام سرمایه داری است و کارگران و بیروهای زحمتکش جامعه ما با آن دست به گریبان می‌باشند.

و برای کاستن از فشار زندگی و هدنیال یافتن کار به هر سوئی می‌روند و به هر اندامی که بنا به درد خود درست تشخیص می‌دهند.

بقیه در صفحه ۳

چه کسانی می‌خواهند

رهبران جنایتکار امپریالیسم آمریکا را

دوست مردم

جا بنزند

به دنبال حملات "ادوارد کندی" به کارتر و سیاست پناه دادن شاه که در یک سفر انتخاباتی ایراد شده بود تلویزیون جمهوری اسلامی طی گفتار سیاسی در اخبار روز دوشنبه ۱۲ آذر تفسیری پخش کرد که هر چشم تیزبین سیاسی می‌توانست وابستگی و ماهیت این دستگاه تبلیغاتی را در لابلای کلمات آن

در این گفتار کوشش شد "ساتور ادوارد کندی" مرد شرعی و منصفی همری شده و برای او محبوسیت تراشیده شود. در این گفتار نه استناد گفته‌های "کندی" از جمله این گفته‌ی که "چگونه می‌توانیم دولت فعلی آمریکا را تیرنگ کنیم، در حالیکه نحسی را می‌پذیرد که می‌خواهد بده اینجانب را بدو بداد مینماید در دلار بولی که از ایران در دست داشت، دروغی ما قلمباز گرفتند." کوشش شد علت جبران در روابط ایران با امپریالیسم آمریکا "خطاهای سیاسی کارتر" توصیف و تملیح شود. در این گفتار سعی شد علت اساسی دشمنی مردم ما با امپریالیسم آمریکا را دوستی کارتر با شاه جلوه دهند تا ملت برای

بقیه در صفحه ۹

توده‌ها و فرزانده‌ها

مردم در عمل نشان دادند که

بین مبارزه ضد امپریالیستی

و سیاست‌های ارتجاعی فرق می‌گذارند

فراندم قانون اساسی برگزار شد و همانگونه که پیش بینی می‌شد تلویزیون دولتی و سخنگویان رسمی و غیر رسمی حکومت گوشیدند این نوبت را پدید آوردند که بیش از ۹۸ درصد مردم به این قانون رای مثبت دادند. اما ببینیم واقعیت چه بود؟

مقامات مسئول از مدتها پیش از برگزاری فراندیم تلاش وسیعی برای نشان دادن توده‌ها به پای صندوق‌های رای آغاز کرده بودند، انتخاب روزهای محرم نیز برای برگزاری فراندیم کاملاً حساب شده بود. تبلیغات شبانه‌روزی حکومت، عوام‌فریبی‌های تلویزیون و استفاده از احساسات مذهبی مردم در روزهای محرم و در آستانه برگزینی فراندیم به‌لحاظ خود رسید. بعلاوه رژیم کوشید تا از اوج گیسوی مبارزات ضد امپریالیستی توده‌ها نیز برای به تصویب رساندن قانون اساسی بهره‌برداری کند. گردانندگان تراژدی قانون اساسی مرتباً تلاش می‌کردند که "پیروزی" مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک توده‌ها را همان تصویب قانون اساسی قلمداد کنند.

سخنگویان رسمی و غیر رسمی حکومتی با استفاده از همه امکانات وسیع تبلیغاتی از مساجد و تگاپارک‌ها تا تلویزیون و روزنامه‌ها و تظاهرات و راهپیمایی‌ها، تلاش کردند این تصور را در توده‌ها پدید آورند که هر کسی با قانون اساسی مخالف است دشمن مردم است. آنها با اشاعه شعارهایی از قبیل "رای ما آری، نه رای آمریکائی" "بسیا ماده قانون اساسی رای آری می‌دهیم در نبرد با آمریکا اسلام را باری می‌دهیم" ترشیدند تا آنجا که محک است این ترهیم را بوجود آورند. کسی که اعتقادات مذهبی دارد باید به قانون اساسی رای مثبت بدهد و یقیناً که رای به قانون اساسی همان مبارزه ضد امپریالیستی است. اما نتیجه چه شد. همه چیز از جمله سکوت دستگاه‌های تبلیغاتی دولتی در مورد نتایج فراندیم، گویای شکست انتظاراتی است که برآورده نند.

تقریباً نیمی از حوزه‌های اخذ رای تهران و شهرستان‌ها از همان روز اول رای‌گیری کساد بودند و نیم دیگر نیز مشتری چندانی نداشتند و در شلوغ‌ترین ساعات روز نیز با اصلاحی در برابر صندوق‌ها تشکیل نمی‌شد و با صف‌ها کوتاه بود و در بر جمعیت‌ترین شکل آن بی‌شمار از سی چهل نفر در صف نبودند. در روز دوم رای‌گیری اکثر حوزه‌ها مگس می‌پراندند و در شلوغ‌ترین قسمت‌های شهر تهران مثل نازی آباد و امامزاده حسن هر جا صفی تشکیل شده بود، برای خرید بود در رختشویی، نان و تخم مرغ و غیره بود. زندگی عادی مردم جریان داشت و هیچ جنب و جوشی در کنار صندوق‌ها دیده نمی‌شد، گوئی اصلاً فراندیم در کار نبود، اما وزارت کشور جمهوری اسلامی در تهران اعلام کرد دو میلیون و سیصد و پنجاه هزار نفر به قانون اساسی رای دادند. اگر این ادعا درست باشد باید در هر دور رای‌گیری از لحظه آغاز کار صندوق‌ها تا پایان آن مردم

بقیه در صفحه ۲

هفتاد هزار کشته، صد هزار زخمی

هرگز مباد، سازش، هرگز مباد تسلیم

هراران مکر و حيله می‌خواهند بر مصدر قدرت بنشینند، مصمم هستند که به قیمت پایمال کردن خون شهیدان و نابودی تمسرات قیام، حکومت خود را بدین ترتیب ادامه دهند.

قانون اساسی تصویب شد، در مجلس خبرگان راه را برای چه می‌توان نام نهاد؟ قبل از اشاره به ماهیت ارتجاعی آن که خود به خود رسته را برای وابستگی به سرمایه‌داری جهانی و رسیدن

بقیه در صفحه ۴

به راستی خلق ما با این آثار خون خود در جریان قیام چه هدفی را دنبال می‌کردیم؟ ما باید کمی به عقب برگردیم و به مرور آن ارزش‌های عانی بپرسیم که در طی قیام مثل درجت‌های سیاسی و سوسنت در دل حرکت

سازیم و در عمارت گرسند و سبزه عدالت این ارزش‌ها به عبور و تحملی جویس، شاه روز، سر چریک‌های و هر روزی از جسد سرخ نشین‌ها می‌بستند. به فراموشی آن‌ها می‌توانی که

در این شماره:

وقایع اخیر تبریز

و نقشه‌های ضد انقلابی سرمایه داران

در صفحه ۱۱

مستحکم باد پیوند مبارزاتی خلقهای ایران

پیام هیئت نمایندگی خلق کرد

به کنگره شوراهای روستائی ترکمن صحرا

در صفحه ۱۲

جاسوسان ارتش در خدمت

تصفیه نیروهای آگاه و مبارز در آموزش و پرورش

در صفحه ۱۲

گزارشی از مبارزات کارگران کارخانه دکتر عبیدی

کارگران با اتحاد خود

نقشه‌های کارفرما را نقش بر آب کردند

در صفحه ۶

انقلاب گیسور اکتبر به منزله آغاز و مقدمه انقلابات پرولتری سراسر جهان

لنین از فوریه تا اکتبر

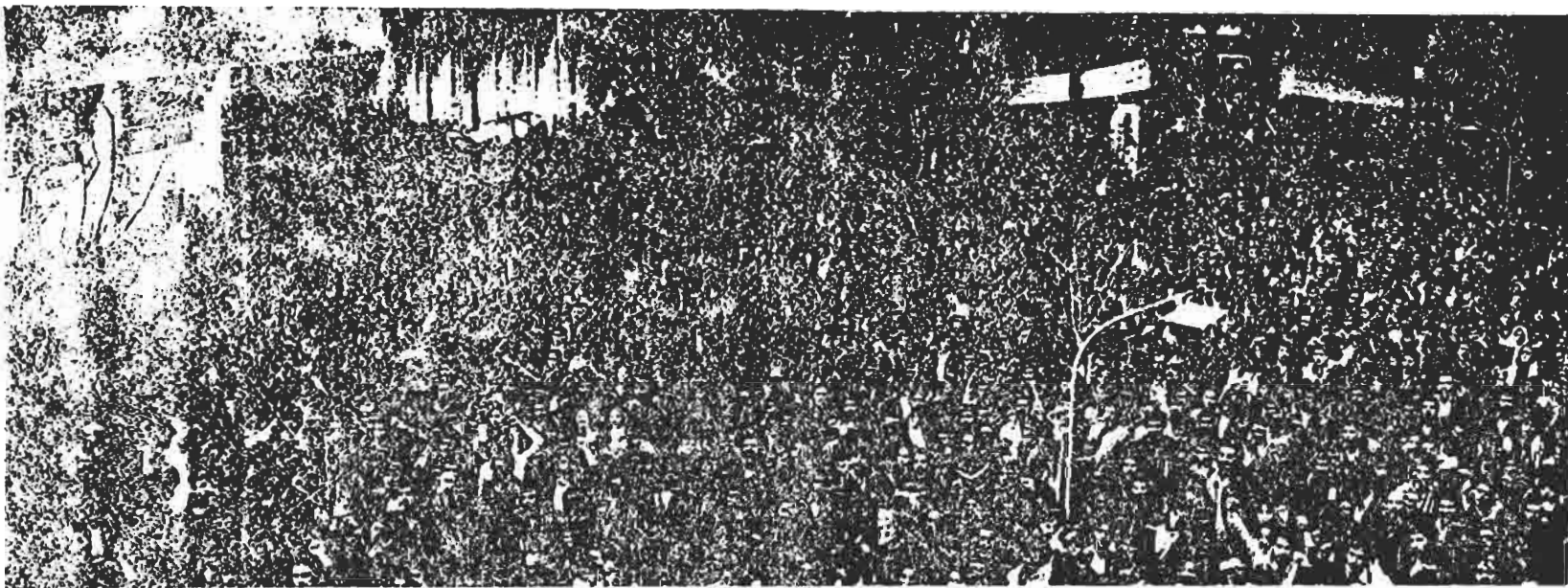
در صفحه ۸

پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

به سازمان دانشجویان یسکام به مناسبت ۱۶ آذر روز دانشجو

در صفحه ۷

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی طبقه کارگر و همه زحمتکشان ایران



صحنه‌ای از گردهمایی سازمان دانشجویان پیشتگام در دانشکده پلی تکنیک به مناسبت ۱۶ آذر روز دانشجو

کارگران صنایع چوب ایران با اتحاد خود در مقابل زورگوییهای کارفرما قاطعانه ایستادند.

کارخانه صنایع چوب ایران که بعد از قیام و فرار کارفرما به خارج توسط کارگران راه اندازی شده بود، بعد از بازگشت مجدد کارفرما و بالطبع آغاز زورگوییهای دوباره او کارگران را بارها با مشکلات جدی روبرو کرده است. اخیراً در پی تهدید کارفرما، مبنی بر اخراج تعدادی از کارگران و کم کردن حقوق و مزایای کارگران که به بهانه نداشتن بازار فروش صورت می گرفت، کارگران این واحد شروع به اعتراض کردند و موازیر و ج کالای ساخته شده از کارخانه جلوگیری نمودند.

شورای کارگری کارخانه همکاری و همگامی کارگران تصمیم گرفت که با گروهان گیری کارفرما و دعوت از نمایندگان شورای انقلاب اسلامی بر خود سری های کارفرما لگام زده و در جهت جلوگیری از اخراج و کم کردن حقوق کارگران از کارفرما تضمین بگیرد. به همین منظور در تاریخ ۵ آذر از خروج کارفرما از کارخانه بعد از پایان کار، جلوگیری می کنند و برای حل و فصل قضا با نمایندگان شورای انقلاب اسلامی دعوت می کنند که به کارخانه بیایند. پس از حضور نمایندگان وزارت کار، کمیته سرکزی پاسداران و نمایندگان شورای انقلاب اسلامی و پس از مباحثات فراوان سرانجام ۴ صبح روز بعد در پی یافتاری کارگران و یکپارچگی که از خود نشان می دهند، کارفرما مجبور می شود که در مورد عدم اخراج و کم نکردن حقوق به کارگران تضمین بدهد. در این حرکت خانگی کارگران با حصر شبانه خود در کارخانه از خواست های عادلانه کارگران این واحد حمایت کردند، همچنین مدهای کارگران دیگر واحدهای منطقه نیز از خواست های برحق کارگران پشتیبانی کردند.

توده ها و فراندوم

مردم در عمل نشان دادند که بین مبارزه ضد امپریالیستی و سیاست های ...

بقیه از صفحه ۱

ضد امپریالیستی تاریخ را به نمایش می گذارد اما وقتی صحبت از تصویب قانون اساسی است به آرامی دست زد به سین و حانیت می زند و با احترام می گوید اجازه دهید مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک را ادامه دهم.

لیکن توده ها آنکه اینک تا اندازه زیادی میان مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک و سیاست های ارتجاعی مرزی کشد، اما هنوز کمی زود است تا بتوانند میان هدف های انقلابی خود و همه جنبه های سیاست های ارتجاعی قشریستون و هدف های ضد انقلابی لیبرال هایی که لباس توده را می پوشند و حرف توده را تکرار می کنند به تمامی و با قاطعیت مرز بکشند.

سرنوشت قانون اساسی و ولایت فقیه از هم اکنون معلوم است. این قانون با محتوای مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک طبقه کارگر و زحمتکشان ایران منطبق نیست و در برخورد با واقعیت و با امواج خروشان جنبش ترقی خواهانه توده پیوسته سائیده خواهد شد و سرانجام فرو خواهد ریخت.

در این کشاکش لیبرال ها در کمین نشسته اند تا از هر فرصتی برای فریب توده و تحکیم سرمایه داری و بسته بهره برداری کنند. سیاست مداران سرمایه داری لیبرال با آگاهی از مخالفت توده ها نسبت به قانون اساسی ارتجاعی مجلس خبرگان، از ماهها پیش از برگزاری رفراندوم، برای چنین روزهایی لباس عروسی دوخته اند. آنها مدت ها است که آماده شده اند لیبرالیسم ضد انقلابی خود را به جای دمکراتیسم انقلابی توده ها جا بزنند. لیبرال ها در این فکرند که با تکرار شعارهای توده های که از سیاست های ضد دمکراتیک و ارتجاعی سرخورده می شوند آنان را بر ضد خودشان بشورانند و خون آنان را وسیله تحکیم سرمایه داری وابسته قرار دهند و در بستری که از خون شهدای ایران گلگون است "دور از چشم اغیار" - سروس سرمایه داری را در آغوش بکشند.

وظیفه کمونیست ها و سایر نیروهای ترقی خواه روشن است. باید صفوف خود را در برابر سرمایه داری و امپریالیست های حامی آن فشرده تر کنیم، در آگاهی و تشکل توده ها بکوشیم و با قاطعانه احزاب، محافل و عناصر وابسته به سرمایه داری، آنان را از صفوف جنبش طرد کنیم.

اگر قبول کنیم که حوزه های اخذ رای روزی ۱۴ ساعت و به مدت ۲ روز دایر بوده اند، با محاسبه زیر زمان ۷۰ ثانیه به دست می آید.

$$\frac{20350000}{24 \times 3600 \times 14} = 20350000$$

$$x = 70/2 \text{ ثانیه}$$

مدام وبی وقفه در حال رای دادن می بودند و در هر ۷۰ ثانیه ۱۶۵۰ رای در ۱۶۵۰ حوزه به صندوق ها سرازیر می شد. اما وقتی از همان روز اول به شهادت همه مردم ایران حوزه های رای گیری تابان حد خلوت بوده با پداز کارگردانان تراژدی قانون اساسی برسید این رای ها را چه کسانی و کی به صندوق ها ریخته اند؟ البته پاسخ این سؤال را مردم ایران می دانند. لیکن از پاسخ دقیق و جزئی به جز "این سؤال فقط خود حضرات کارگزاران قانون اساسی با خبرند".

فراندوم قانون اساسی در برخی از مناطق پر جمعیت کشور مثل کردستان به کلی تحریم بود و در بسیاری از نقاط دیگر نیز بخش های عظیمی از مردم آن را تحریم کردند.

بعلاوه کسانی هم که به قانون اساسی رای دادند صرفاً تصور می کردند که این قانون منافع مردم را تامین می کند و در جهت مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک مردم ایران است. اکثریت رای دهندگان روحشان از محتوای قانون خبر نداشت، آنها اغلب رای به قانون اساسی را انجام فریضه دینی و اجابت امر می پنداشتند از صاحب های تلویزیونی که فقط نظری دهندگان به قانون اساسی را منعکس می کردند نیز به خوبی معلوم بود که اغلب مصاحبه کنندگان نمی دانستند که این قانون منافع آنهاست. آنها در پاسخ به این پرسش که آیا اصول قانون اساسی آشنایی دارند یا خیر جواب منفی می دادند و وقتی سؤال می شد پس چرا رای مثبت می دهید می گفتند "چون امام خمینی رای مثبت می دهد ما هم رای مثبت می دهیم" و یا "چون اگر این قانون بد بود، امام آن را تأیید نمی کرد".

بنابراین اغلب آنها بی هم که رای مثبت دادند، مثل کسانی که فراندوم را تحریم کرده اند، خواستار تحقق اهداف مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک جنبش هستند.

با توجه به همه این حقایق می توان به جرات پذیرفت که بیش از نیمی از ۲۳ میلیون حائزان شرایط شرکت در فراندوم به پستی صندوق ها نرفتند و عملاً اکثریت مردم ایران با تحریم فراندوم بر قانون اساسی مجلس خبرگان مهر ابطال زده و بدین سان شکست سیاست کهنه پرستانه و فریب توده را اعلام کردند. توده باردیگر با صدایی رساتر از پیش افسانه ۹۸ درصد دنباله رو و یکی دودرصد مخالف را در هم شکست. توده با صدای بلند اعلام کرد که من آگاه تر از آنم که قشریون تصویری کنند. توده به زعم تهدیدها و جاسپاندن برجسب های ناچسب قشریون و عوام فریبی های "ضد توده ای های" ما آری گو که می گفتند هر کس رای ندهد امریکایی است گول نخورد و مرعوب هم نشد. توده میان مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک و گرایشات ارتجاعی مرز کشید. توده برای حمایت از تسخیر مرکز جاسوسی امپریالیسم امریکا، از دفتر کارخانه ها، از اعماق دهات، از چهار گوشه ایران یکپارچه، با شت های گره کرده و غریب شور و شغف بیرون ریخت و می ریزد و بزرگترین تظاهرات

صلح دمکراتیک در کردستان باید به نفع زحمتکشان ایران برقرار شود

نامهای از دهک کتابفروشی های خیابانی به نشریه "کار":

آقای شهردار تهران! از کدام مردم حمایت می کنید؟

آقای این مردم به اصطلاح انقلابی همان شاکیان مورد حمایت شما نیستند؟ در زمان طاغوت می گفتند به زیبایی شهر لطمه می زند و نباید در مسیر مهمانان خارجی بساط پهن باشد و حالا شما می خواهید به نام مردم انقلابی شهر همان شیوه کهنه راه کار ببرید.

تعبیر ما در این است که چطور شما این پشتکار در رژیم گذشته شهردار تهران نشدید. در پایان ماه به شما اخطار می کنیم که دیگر اجازه نخواهیم داد برای خوشایند مهمانان خارجی و زیبایی شهر فرزندانمان گرسنه بخوابند.

صاحبان بساط، دکمو کتابفروشی های خیابانی های مصدق - آزادی - انقلاب جمهوری اسلامی.

آقای شهردار تهران در روزنامه اطلاعات (دوشنبه ۲۵ آذر ۵۸) خطاب به بساطی های کنسار خیابان و دهک داران می گویند که مردم از شما شکایت کرده و خواستار برجیدن بساطها شده اند و تهدید می کنند که در صورت عدم توجه به اخطار شهرداری، مردم انقلابی شهر و شهرداری تهران ملزم به انجام وظایف قانونی و شرعی خود خواهند شد. باید از آقای شهردار پرسید، این مردمی که شکایت کرده اند آیا همان صاحبان لوکس فروشی های خیابان مصدق و غیره... هستند با مشتریان این بساطها و دهک های کنار خیابانها؟ اگر این شاکیان مشتریان بساطها نیستند و نمی توانند باشند پس شما به حمایت از کدام مردم می خراeid بساطها را به هم بریزید آن هم به کمک مردم انقلابی شهر؟

سرمایه داری وابسته به دست زحمتکشان ملی باید گردد

براقام و اطلاعات مربوط به کلیه قراردادهای کامپیوتری اعم از خرید، اجاره، تعمیر و نگهداری مطرح و سیستم ها و غیره... شده است. در شرایطی که دولت مذاکره با انحصارات را به عنوان راه حل انقلابی جامی زند و طبقه کلیه نیروهای انقلابی و مترقی است که با انشای قراردادهای غارتگرانه مشابه با انحصارات امپریالیستی و ماهیت ضد خلقی این قراردادها با سروانمودن سرسپردگان امپریالیسم، بالغو این قراردادها وطنی کردن و مصادره اصول انحصارات امپریالیستی توسط شوراهای کارگران و کارکنان این موسسات در راه قطع کامل سلطه سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی امپریالیسم گام بردارند.

به جیب انحصارات امپریالیستی سرازیر می گردد. شورای کارکنان... با اعلام این که در عرض ۵ سال استفاده از کامپیوترهای استیجاری موجود در این وزارتخانه مبلغی به مراتب بیشتر از سهم واقعی آن بابت اجاره به شرکت آی بی ام پرداخت شده است می گوید. "از آنجا که کمیسیون انفورماتیک نخست وزیر در طی ۹ ماه گذشته نه تنها با اقدام ۸۵ درصد کامپیوترهای موجود در اختیار سازمان های دولتی است که متجاوز از ۷۰٪ آنها به صورت استیجاری می باشد. روی هم رفته روزانه بیش از یک میلیون دلار (سالانه نزدیک به ۴۰۰ میلیون دلار) تنها بابت اجاره هزینه تعمیر و نگهداری این کامپیوترها

شورای کارکنان خدمات ماشینی انفورماتیک وزارت آموزش و پرورش در طی بیانیه ای به افتای ماهیت غارتگرانه یکسانی از قراردادهای پرداخته است که در دوران حکومت ننگین رژیم پهلوی بر کشور ما تحمیل گشته است و هنوز به قوت خود باقی است. در قسمتی از این بیانیه آمده است که "در کشور ما هم اکنون در حدود ۸۴ دستگاه کامپیوتر موجود دارد... و در حدود ۸۵ درصد کامپیوترهای موجود در اختیار سازمان های دولتی است که متجاوز از ۷۰٪ آنها به صورت استیجاری می باشد. روی هم رفته روزانه بیش از یک میلیون دلار (سالانه نزدیک به ۴۰۰ میلیون دلار) تنها بابت اجاره هزینه تعمیر و نگهداری این کامپیوترها

تحصن کارگران بیکار و مبارزه ضد امپریالیستی

اکنون میسم و آنارشیسم در حرف با هم دشمن اند...

بقیه از صفحه ۱

برضد انقلاب...
بازرگان سازشکار، همسراه
بیزینسی، تو ضد انقلابی
کارگران، اتحاد بر علیه آمریکا
کارگرو زحمتکش دشمن امپریالیسم
سرمایه دار مزدور نوکرا امپریالیسم
کارگرا ایجاد نشه، آمریکا اگر
اخراج نشه، وعده و وعید نسون
نمیته
اقتصاد وابسته عامل هر بیکاری
بحث های شدیدی در گرفت
گرو داران اشرف خواهان
گروگان گرفتن کارمندان وزارت کار
بودند. برای آنها مهم این مسئله
بود که هر طور شده درگیری ایجاد
کنند. با پاسداران ناآگاه، با
کارمندان وزارت کار، با شیشه های
ساختمان، خلاصه با هر چه در
اختیار داشتند، خشم خود را
ظاهر کردند. آنها فارغ از این اندیشه
که جو عمومی ضد امپریالیستی سراسر
کشور را فرا گرفته و ضرورت پیوند
خاص اقتصادی بیکاران با مبارزه
ضد امپریالیستی توده به امر
حساس و فوری بدل شده بود،
ظاهرا به مان مورد احتیاج بیکاران
فکرمی کردند و سیاست تحصن
طولانی و همراه باز و خسورد و
گروگان گیری کارمندان را مصرانه
ناشد می نمودند. سات اصولی
در این مورد این بود که کارگران بیکار
می بایستی ضمن راهپیمایی به وزارت
کار، مبارزه با امپریالیسم و مبارزه
برای تامین کار را در شعارهای
خزش به شیوه اصولی تلفیق کرده
و یکپارچه
می کردند و پس از رسیدن به
وزارت کار و خواندن قطعنامه ای
حاوی تلفیق ذکر شده، راهپیمایی
خوش راه سمت سفارت امریکسا
ادامه می دادند و در مقابل سفارت
قطعنامه ای منکی بر ضرورت شرکت
عملی کارگران به ویژه کارگران
بیکار در مبارزه ضد امپریالیستی
نوده ها و ضرورت مبارزه برای
حقوق اردست رفته بیکار صادر
می نمودند. ا طرف دیگر
اگوبوست های خط به از آنجا که
همواره جنبه اقتصادی مبارزه
کارگران را در مد نظر دارد و از همه

اقتصادی کارگران تاکید می کردند و
برای بیکار حاضر بودند (همچنانکه
با آن موافقت کردند) صرف نظر از
آنکه جو عمومی مبارزاتی جامعه در چه
جهتی سیر کند، کارگران را به تحصن
بی موقع و طولانی مدت بکشانند.
گروه اشرف با این
استدلال که ما به مان احتیاج داریم،
و باید حرکت کنیم و در کشورهای
نظیر ایران ایجاد تشکیلات
اتحادیه ای برای کارگران ناممکن
می باشد، مایل بودند که پشت هم
حرکت کنند تا حاکمیت را به تنهایی و
باشیوه های غیر علمی بدون تشکل
آگاهانه بیرون تار با سرنگون نمایند.
به همین دلیل با کوشش اصولی
عهده ای که می گویند کارگران
بیکار را پس از بازگشتی حاشه کارگر
در سندیگای مربوطه تشکل سازند
مخالفت می کردند. اینها
با همین درک خرده بورژوازی
خوبی از مبارزه کارگران با "راع
نمایند وزارت کار در روز ۱۴ آبان
بر خورد می کردند. آنها به جای
آن که برای کارگران بیکار توضیح
دهند که مبارزه آنها با طبقه
سرمایه دار است، به چنان برخوردی
با نماینده وزارت کار پرداختند که
گویا دشمن اصلی کارگر این شخص
می باشد. سیستم سرمایه داری
و طبقه سرمایه دار. به همین جهت
جو را چنان متشنج نمودند که
نمانده وزارت کار به باری بحث
جویش بدون کنگ خوردن از خانه
کارگر رفت. روز ۲۱ آبان ساندگان
تصمیم می کردند که برای شنیدن
حواس خود به وزارت کار بروند. آنها
در حالیکه شعاری دادند، به طرف
وزارت کار حرکت کردند. در مقابل
وزارت کار با سادها صمصمن
عقب نشینی نبرانداری هوایی کردند
با وجود این نظاهر کنندگان پس از
گذشتن از زده های وزارت کار وارد
ساحستان سد و منحمن شدند.
سکاران در جریان راهپیمایی
جویش شعارهای زیر را می دادند.
به گفته مارگران، کارگران بیکار،

۲- حق بیمه بیکاری
۳- دفترچه بیمه درمانی برای
کارگران و خانواده آنها
۴- تحویل خانه کارگر
کارگران بیکار در روز ۱۴ مهر در
مقابل وزارت کار جمع شده و برای
مذاکره با وزیر کار (اسپهبدی)،
هیئت نمایندگی متشکل از ۷ نفر
تشکیل دادند اما وزیر کار کارگران
خواست که دو هفته بعد مراجعه کنند تا
به آنها جواب دهد. ولی وزیر در
موند مقرر جواب نداد و کارگران
قرار گذاشتند که روز ۵ آبان جلوی
وزارت کار جمع شوند و اگر وزارت کار،
خانه کارگر را تحویل نداد خود به
اشغال خانه کارگر اقدام کنند که این
اقدام روز ۵ آبان انجام می گیرد
در همان روز نام نویسی برای
سندیگای اصناف آغاز می شود. در
تاریخ ۷ آبان ماه به دنبال دعوتی
که شده بود حدود ۱۰۰ نفر در خانه
کارگر جمع شده و پس از خواندن
پیام پشتیبانی کارگران بعضی از
کارخانه ها، قرار می گذارند که ۱۴
آبان برای شنیدن گفته های نماینده
وزارت کار در خانه کارگر جمع شوند.

کوشش های آنها در مذاکره با
مقامات مسئول به نتیجه نرسیده
است، به ناچار به تحصن و
راهپیمایی دست زده اند. آنها
در اکثر موارد از یاری هواداران آگاه
با ناآگاه خویش در این اقدامات
برخورداری بوده اند. از آنجا که
آگاهی سیاسی توده کارگران بیکار
پایین بوده و انحرافات سیاسی-
ایدئولوژیک هواداران ناآگاه آنها
عمیق می باشد، ما شاهد جنبه های
منفی در کنار جنبه های مثبت از نظر
منافع پرولتری در حرکات آنها
می باشیم.
برخورد با جنبه های منفی
ضروری است به ویژه وقتی که
بعضی از حرکات مشخص آنها،
نظیر تحصن در وزارت کار در تاریخ
۲۱ آبان ۵۸، ضربات سیاسی بزرگی
به کارگران بیکار وارد می کند. اتخاذ
سیاست درست مبارزاتی در مورد
دبیلیمه ها و کارگران بیکار لازم است
شناختن ریشه های بیکاری کارگران
و خصوصیات خود کارگران بیکار
است. به همین جهت این موارد
برای کارگران بیکار پیشرو باید
روشن باشد.
اگر توجه کنیم که کارگران بیکار
ریادی وجود دارند که محبورند که
به ماجرا زندگی خویش را نوا ما در
کار مزدوری گردن و دستفروشی و
کار وی زمین بگذرانند، اگر به اس
خصوصیات فشار شدید زندگی و
درک ضعف آنان از مسائل
سیاسی و ضرورت تشکل را بیفزایم
متوجه خواهیم شد چگونه شرایط
ماست فراهم می شود تا حرکات
کارگران بیکار تحت تاثیر انحرافات
سیاسی- ایدئولوژیک گروههایی
نظیر بیکار و متانهم و گروه اشرف
دهفانی به انحراف کشیده شود.
بر پایه جنبش رهنه ای حرکت
کارگران بیکار در ۱۴ مهر به دعوت
کارگران بیکار تهران آغاز شد.
خواست کارگران بیکار عبارت بود از
۱- اتحاد کار بدون سرمایه
امریالیستی.

۱۶ آنچه در این حرکات چه در روز
مهر شورای روشنگری از بالا
درست شده اتحادیه سراسری
کارگران ایران "روز ۲۴ مهر
به دعوت اگوبوست ها تحصن
عموان کارگران بیکار تهران در
مقابل وزارت کار تجمع صورت
می گیرد. درک خرده بورژوازی
اسس دوستان از مبارزات
کارگری پس از بازگشتی
خانه کارگر در ۵ آبان در محاضرات
آن روز آسکار تریبان می شود. این
محاضرات نشان داد که بیولتاریسی
ایران ناچه حدسار مند تشکل و
آگاهی سیاسی- ایدئولوژیک است
ولی برخورد دوستان اگوبوست و
حباند سان طرفدار اشرف فرسنگها
از این سار مرم بیولتاریسی ایران به
دور است اگوبوست های حیط ۳
و در این آنها بیکار فقط سخواست

۴۸ ساعت کار طاقت فرسا در کارخانه ها باید به ۴ ساعت تقلیل یابد

هفتاد هزار کشته، صدها هزار زخمی هرگز مباد سازش، هرگز...

بقیه از صفحه ۱



خلق کرد با جنگ و دندان از وحدت سیاسی
وسازمانی خود دفاع می کند

و به همین خاطر نیز از پیغام آیت الله خمینی استقبال کرد. در این میان بعضی از اخبار ابی فرصت طلب خواستند از این پیام به نفع هدف های خود بهره برداری کنند که مقاومت یکبارچه مردم کردستان و همبستگی سازمان ها و گروه های مبارز کردستان مانع این امر شد. خلق کرد در تاریخ ۶ آذرماه ۵۸ عظیم خود در تاریخ یک یار دیگر از هیئت نمایندگی سازمان های سیاسی کردستان به رهبری حضرت سید مراد بن حسینی پشتیبانی کرد. خلق کرد قسمتی از این گزارش آمده است. "درد بر پیشمرگان کرد که با خون خود آزادی را بر سر صخره های کوهستان های کردستان نشانند. درد بر همه رزمندگان و مبارزین راستین خلق کرد."

هموطنان!
خلق کرد در طول جنگ تحمیلی تعدادی از بهترین فرزندان خود را از دست داد. این فرزندان در میدان های قرون وسطایی و با در اثر بمباران های فانتوم ها به قتل رسیدند. در این میان بسیاری از جوانان ناگاه که فریب مرتجعین را نخوردند بودند کشته شدند. کسه مسئولیت خون آنها به عهده مرتجعین و خائنین است که آتش جنگ تحمیلی را در کردستان شعله ور کردند. در طول این مدت ارتجاع دست به وحشیانه ترین حملات زد و حتی به کودکان و زنان نیز رحم نکرد اما صوف فشرده خلق کرد و با پایداری آنها در برابر این هجوم، توطئه ها را نقش بر آب کرد. جمعیت کردهای مقیم مرکز در این مدت به تلاش خستگی ناپذیر و به پشتیبانی همه جانبه از خلق خود ادامه داد و در این راه از مبارزین سازمان ها و گروه های مترقی و به ویژه سازمان چریک های فدایی خلق ایران برخوردار بود.

در قسمت دیگری از این گزارش ضمن هشدار به فرصت طلبان چنین آمده است. "خلق کرد همواره برای به دست آوردن صلح عادلانه بر اساس خواست های برحق مردم کردستان ایران آماده بوده است

جمعیت کردهای مقیم مرکز روز پنجشنبه ۱۵ آذر پس از گذشت سه ماه از آخرین جلسه خود، جلسه عمومی داشتند. در این اجتماع پر شور و با رنگر از خاطرات قهرمانی خلق کرد و جانبازی پیشمرگان و پاسداری سازمان های سیاسی کردستان، یاد شد و به فرصت طلبان، سیاست پیشه گان و تفرقه جوینان هشدار داده شد.

در ابتدای این مراسم سرود ملی "الله رقیب" به طسور دسته جمعی خوانده شد و سپس گزارش شورای جمعیت کردهای مقیم مرکز قرائت گردید. در قسمتی از این گزارش آمده است. "درد بر پیشمرگان کرد که با خون خود آزادی را بر سر صخره های کوهستان های کردستان نشانند. درد بر همه رزمندگان و مبارزین راستین خلق کرد."

هموطنان!
خلق کرد در طول جنگ تحمیلی تعدادی از بهترین فرزندان خود را از دست داد. این فرزندان در میدان های قرون وسطایی و با در اثر بمباران های فانتوم ها به قتل رسیدند. در این میان بسیاری از جوانان ناگاه که فریب مرتجعین را نخوردند بودند کشته شدند. کسه مسئولیت خون آنها به عهده مرتجعین و خائنین است که آتش جنگ تحمیلی را در کردستان شعله ور کردند. در طول این مدت ارتجاع دست به وحشیانه ترین حملات زد و حتی به کودکان و زنان نیز رحم نکرد اما صوف فشرده خلق کرد و با پایداری آنها در برابر این هجوم، توطئه ها را نقش بر آب کرد. جمعیت کردهای مقیم مرکز در این مدت به تلاش خستگی ناپذیر و به پشتیبانی همه جانبه از خلق خود ادامه داد و در این راه از مبارزین سازمان ها و گروه های مترقی و به ویژه سازمان چریک های فدایی خلق ایران برخوردار بود.

در قسمت دیگری از این گزارش ضمن هشدار به فرصت طلبان چنین آمده است. "خلق کرد همواره برای به دست آوردن صلح عادلانه بر اساس خواست های برحق مردم کردستان ایران آماده بوده است

باشد. وقتی از بسیج همه جانبه نیروها علیه امپریالیسم سخن گفته می شود منظور فقط این نیست که همه را در کوچه و خیابان به راهپیمایی مشغول کنیم. منظور این است که عموم مردم در ارگان های حکومتی شرکت فعال داشته باشند تا بتوانند در همه جا راه نفوذ امپریالیسم را سد کنند. وقتی حقوق خلق ها، زنان، احزاب و گروه های سیاسی در قانون در نظر گرفته نشده است و نیازها و سلسله مراتب حکومتی از آنها تعیین می شود چگونه می توان امپریالیسم را شکست داد؟ آیا چه کنترلی برای مرکزیت وجود دارد؟ در قانون اساسی پیش از ۶۰ بار از فقها و روحانیون در رابطه با تحکیم قدرت آنها نام برده می شود. با این ترتیب با چنین قانونی حاکمیت موجود می تواند سیاست مشخص و روشنی برای اعتدالی جامعه ما و بیرون کشیدن آن از وابستگی به امپریالیسم امریکایی اتخاذ کند و به خواست روشن توده ها پاسخ مثبت بدهد؟ امپریالیسم یعنی اقتصاد وابسته، امپریالیسم یعنی قراردادهای سیاسی و نظامی با امریکایی ها. امپریالیسم یعنی فراهم کردن زمینهای برای جلوگیری از رشد و آگاهی توده ها. امپریالیسم یعنی این که فقط به درآمد نفت متکی باشیم. امپریالیسم یعنی استثمار بی رحمانه توده ها، این سیستم اقتصادی واجتماعی که جامعه ما را به امریکاییان وابسته می کند و اجازتی ندهد که آن را تبدیل به لانه جاسوسی خود کند اگر ناپدید شود، از در بیرون می رود و از پنجره تو می آید. سیاستی که با زور و فریب این چنین قانونی را تدوین کرده است، سعی دارد جدا از واقعیت خشن که در حاکمیت آنرا با کوشش و استخوان شان لمس می کنند، در پس الفاظی مبهم و دوپهلوی، خواست روشن توده ها را مخدوش کند و با تفسیرهای گوناگون، سلطه خود را حفظ کند.

مبارزه کارگران و زحمتکشان است که می تواند این سیستم اقتصادی واجتماعی را برانگیزد. با جانفشانی کردن نهادهای مردمی از قبیل شوراهای واقعی جاهای خالی و بدون حفاظ را که در معرض یورش سرمایه داران جهانی است برکنند.

اما قانون اساسی ولایت فقیه راه را بر تحکیم سلطه طبقه سرمایه داران پایگاه امپریالیسم هموار ساخته است. راستی سرنوشت قانونی که با اهداف خلق مبارز ایران مغایر است چه خواهد بود؟ بجاست آخرین شعار مردم را در راهپیمایی باشکوهی که به دعوت سازمان چریک های فدایی خلق ایران در ۴ آذرماه علیه امپریالیسم امریکا و مرکز جاسوسی آن در خیابان ها نطقین انداخته یار دیگر به حاضرین اعلام کرد. هفتاد هزار کشته، صدها هزار زخمی، هرگز مباد سازش، هرگز مباد سازش

موروثی است (هرچند که عملاً به مرحله اجرا در نخواهد آمد) در اصل های دیگری خوانیم که شرح و تفسیر قوانین و تشکیلی عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای ملی با احکام اسلام و عدم تعارض آن ها با قانون اساسی همه بر عهده شورای نگهبان است. وقتی انتخاب شورای نگهبان طبق اصل نود و یکم و اصل انتخاب عالی ترین مقام قضایی کشور در بند ۲، همه به عهده فقیه باشد راستی نهادهای دیکراتیک را در کجای قانون اساسی باید جستجو کرد؟ با این شکل برای مقام رهبری هیچ حد و مرزی وجود ندارد، می تواند بد باشد می تواند خوب، می تواند دیکتاتور شود، می تواند ظاهر - صلاح. با مطالعه در مبحث سوم راجع به ارتش و سپاه پاسداران انقلاب، با عباراتی کلی از قبیل ارتش مردمی، مکتبی، اسلامی برخوردار می کنیم. در این جا اصطلاحات از بازسازی و دگرگونی در کیفیت ارتش نمی شود. می گوید "هیچ فرد خارجی به عضویت در ارتش و نیروهای انتظامی کشور پذیرفته نمی شود" خبرگان "محترم" فکری کنند در زمان شاه خائن، مستشاران خارجی عضو ارتش ایران بودند. وقتی خرید سلاح های وابسته منوط به تصویب آن در مجلس باشد پس ورود کارشناس هم نمی تواند احتمالی بی اساس باشد. چون بالاخره هر اسلحه ای احتیاج به آموزش آن دارد.

در بند ۸ ماده ۴۳ برای جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور، فقط به کلی گویی پرداخته و هیچ راه عملی برای قطع سلطه انحصار از زمین المملکت را مطرح نمی سازد. در اصل ۴۴ می گوید. نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش ۱- دولتی ۲- تعاونی ۳- خصوصی نبوده است. در کجای این نظام اقتصاد وابسته به امپریالیسم نفی شده است؟ دولتی کردن صنایع بزرگ (که وابسته است) و بعد خصوصی کردن بخشی از آن، جز تقسیم سود بین سرمایه داران وابسته هیچ معنای دیگری نمی دهد. آیا توده های مردم قیام کردند تا بخشی را که در سود گیلان شریک نبودند به مال و منال می برسند. وقتی امپریالیسم برای حفظ وابستگی اقتصادی است که در کشورهای فقیر اعمال نفوذ می کند. چرا قانون اساسی باید به این اصلی ترین وفوری ترین شعار قیام پشت کند؟ آیا حفظ منافع جناح وابسته به امپریالیسم نیست که آنها را به چنین دوران پیش کشانده تا هر طور که بتوانند راه نفوذ مردم را در امر حاکمیت بر سر نوشت خود سد کنند.

نمی خواهد چندان دور برویم هم اکنون در خیابان های تهران و شهرستان ها، فریاد بر قدرت مرگ بر امریکا طنین انداز است، قانون اساسی چگونه می تواند پاسخگوی چنین فریادهای صلیبی

دیکتاتوری فراهم می کند، لازم است به کارنامه نه ماهه حاکمیت سیاسی بعد از قیام که فانون اساسی نتیجه آن است نظری انداخته شود. در آغاز پیروزی بردیکتاتوری شاه، سازمان چریک های فدایی خلق ایران و سایر نیروهای ترقی خواه خواستار ایجاد ارتش خلقی و اداره امور توسط شوراهای واقعی شدند. دولت و شورای انقلاب بر سر ابتهای عناصر سرکوبگر نیز با فشار می کردند. شاید آن روزها اهمیت چنین کاری برای توده ها روشن نبود. اما همین طور که زمان می گذشت و جناح وابسته به سرمایه داری جهانی امکاناتی برای عمل پیدایی کرد، عوامل فشار و سرکوب در جامعه شروع به رشد کردند و این خود کم و بیش توده را متوجه آنها کرد. از یک طرف برای جلوگیری از رشد و اتحاد کارگران نیروی ویژه سازمان دادند و قانون های ویژه به نفع کارفرما تصویب کردند و از طرف دیگر فرمان سرکوبی خلق های ایران را دادند. وقتی مردم پرچم امریکارا می سوزانند، بعضی از وزرای کابینه بازگان در پشت پرده و آشکارا به سازش با امریکای خون آشام مشغول بودند و از واسطه حسن فی مابین سخن می گفتند. وقتی خلق ما در انتظار افشای قراردادهای ظالمانه رژیم پیشین با امپریالیسم جهانی بود، اسناد رسوا کننده در آرشیوهای وزارت خارجه محل امنی یافت و خلق هنوز که هنوز است از آن بی اطلاع است. عوامل امپریالیسم از قبیل چمران ها، آتش و خون نثار خلق کرد می کنند و مدعی هستند که فرزندانی بیگانه خلق را به جوخه های آتش می سپارند. به راستی حاکمیت موجود با چنین اعمالی در برابر داوری قاطع خلق چه پاسخی خواهد داشت؟ اکنون قانون اساسی حاصل چندین ماه نشست و برخاست خبرگان، در معرض قضاوت عموم است. قانونی که برای تدوین آن حاکمیت موجود به شرحی که گذشت عملاً در برابر توده های ستم دیده، ایستاد و ماهیت خود را افشا کرد. بتردید نیست هر قانونی که به این شکل تصویب شود جز چماقی علیه آزادی و دموکراسی هیچ چیز دیگری نمی تواند باشد. ما از دین نظر این قانون را مورد مطالعه قرار می دهیم.

بانگاهی به یکایک اصل های این قانون پیش از هر چیز ماهیت ارتجاعی و ضد دیکراتیک آن که در نهایت در خدمت سرمایه داری قرار می گیرد به چشم می خورد. مردم جمهوری می خواستند. یعنی از حکومت استبدادی و موروثی نفرت داشتند اما با دقت در اصل ۱۵۷ دنتیجه حاصل می شود. ۱- عملاً مادام العمر بودن رهبری را تثبیت می کند. ۲- رهبری در طول تاریخ کشور در انحصار قشر روحانیت است. یعنی به نوعی در این قشر

پشتیبانی از هیئت نمایندگی خلق کرد وظیفه مبرم همه نیروهای مبارز و انقلابی ایران است

گواهی کوتاه از قائم شهر (شاهی)

راهپیمائی و تحصن دهقانان قریه سید محله



کشاوریان قریه سید محله در نزدیکی کلا (از توابع قائم شهر) سالها پیش بخشی از اراضی جنگل را آباد کرده و قابل کشت و بهره برداری کرده اند. اما پس از آماده نمودن زمین یکی از مالکین با همدستی ژاندارم ها به سرپرده این اراضی را از دست دهقانان به درآورد و آنان را به عنوان کارگر به بند استعمار کشید. پس از قیام بهمن ماه این کشاورزان که مصومی گردند بگر از قید ظلم و ستم رسته اند و به امید این که دولت از آنان حمایت کند ۷۳ هکتار از این زمین ها را که در اصل به خودشان تعلق داشت زیر کشت بردند. (این مالک جمعا بالغ بر ۲۰۰ هکتار زمین دارد) فرماندار وقت نیز زیر فشار دهقانان مجبور شد این عمل را تأیید نماید. ولی به هنگام برداشت محصول توسط کشاورزان سرولگه رئیس پاسگاه پیداشد. او می گفت:

"به موجب حکمی که مالک از کمیسیون ۵ نفره دارین زمین به او تعلق دارد." (کمیسیون ۵ نفره بعد از قیام که به اصطلاح برای حل مشکلات زمین ایجاد شد و هر چه از زمان قیام می گذرد ماهیت ضد مردمی آن نمایان می شود) نمایندگان کشاورزان به اداره کشاورزی رفتند و از کمیسیون ۵ نفره در این مورد توضیح خواستند. کمیسیون ۵ نفره که قبلا از طرف کشاورزان سایر دهات اطراف تهدید شده بود

ومی ترسد مبادا این بار هم این موضوع باعث اعتراضات شدید بخود، (تا قبل از این موضوع چندین بار دهقانان اطراف کلا به اعتراضات در شهر تظاهرات کرده بودند) حکم را پس گرفت. ولی وقتی کشاورزان مجدداً برای برداشت محصول سزمین های خود رفتند دوباره رئیس پاسگاه آمد و برداشت محصول جلوگیری کرد. کشاورزان از این عمل خشمگین شده و روز بعد به شهر رفته و به کمیسیون ۵ نفره مراجعه می کنند. در کمیسیون حاجی باقری عضو مهم آن که خود از سرمایه داران شهر است به کمک یکی از روحانیون مرتجع به آنها می گویند که اگر با مالک سازش نکنید نصف محصول را به او ندهید، با پاسداران و سرنیزه و ۳-۳ مواجه هستید. کشاورزان که از مراجعات خود نتیجه ای

نگرفته بودند روز پنجشنبه صبح در شهر به راهپیمائی پرداختند و در جلوی فرمانداری متحصن شدند. در طول راه پیمائی شعارهایی از قبیل:

"درود بر کارگر، متحد بزرگ مالک نابود است، دهقان پیروز است، ترک بر باقری، حاجی مالکان، ترک بر سرمایه دار، درود بر کارگر، می دادند، در این مدت فرماندار و سایر مقامات از صحبت کردن با دهقانان خودداری کردند و حاجی باقری بلافاصله پس از فهمیدن مسئله راهپیمائی اعلام استعفا کرد. دهقانان که از راهپیمائی و تحصن خود نیز سودی نبردند تنها چاره را در این دیدند که به قریه برگردند و به زور هم که شده محصول را برداشت کنند و این تصمیم با همه حاضرین در تحصن در میان گذاشته شد و مورد تأیید هم قرار گرفت.

امیربالیست ها و مسائل شرکت حفاری سنتافه را بغارت بردند

در تاریخ ۱۸ مهر شرکت نفت به نمایندگی دولت ایران به کمراک بندر خرمشهر و بوشهر اعلام کرد که امیربالیست ها اجازه دارند دکل ها و وسایل حفاری شرکت ملی شده بیفاری سنتافه را خارج کنند و در یادارمندی استاندار خوزستان نیز از تمام نیروهای نظامی و انتظامی از کمیته تألیف سراسر راه و ژاندارمری خواست در طول راه از وسایل غارت شده ملت ایران مواظبت کنند تا امیربالیست ها به راحتی غارتگری خود را به پایان برسانند. در حال حاضر سرما به از آن خارجی در امنیت کامل در حال خروج این وسایل هستند. این عمل ضد کارگری، ضد انقلابی دولت، شرکت نفت، مدنی خائن و کمیته ها که همه در خدمت

امیربالیست فرار گرفته اند، به خوبی ماهیت آنها را نشان می دهد. کارگران و زحمتکشان ایران مبارزه کردند تا اموال ملت را که امیربالیست ها و وابستگان آنها تصاحب کرده بودند بازستانند ولی دولت ایران که ادعای ملی شدن را دارد به امیربالیست ها اجازه می دهد تا اموال ما را به غارت برند.

نقل از خبرنامه شرکت های حفاری - شماره ۲، ۱۴ آبان ۵۸

لازم به توضیح است که شرکت های حفاری از دو ماه پیش به تدریج توسط کارگران ملی اعلام شده است. شرکت سنتافه نیز جزو همین شرکتهاست.

شرکت ملی نفت ایران

شماره: ۵۵۱۲۱۰۱۱۱
تلف: ۱۸۰۵۳۵۳۰۱۸

به سرکل کمراک بندر بوشهر

دس های حفاری شماره ۱۹ و ۲۱ شرکت حفاری سنتافه از رشتال که تحت قرارداد شماره ۳۳۹-۳۳۹-۳۳۹ در استخدام شرکت ملی نفت ایران است. در تاریخ ۱۸ مهر ۱۳۵۸ قرارداد طرف شرکت نفت فسخ گردید. از این تاریخ به بعد کلیه اموال و وسایل و تجهیزات و کابین و ابزار و لوازم و سایر اشیاء متعلقه به شرکت ملی نفت ایران است. برای انجام امور کمراک شرکت سنتافه ششم گردیده است.

باتوجه به ادعای وزارت اشتغال که از سوی بهیشتار عمل جرمه ادعای دارد و دیگر تا که جرمه که جرمه استوار مدتی ۱۰ الی ۱۵ روز از شرکت ملی نفت ایران بوده، هرگز به نقل درآمد این امر باعث برود آبروی بهیشتار برای این شرکت و ناشی از این دولت خواهد شد.

سرویس کل مطبوعه - شرکت ملی نفت ایران

اسناد آزادی خوزستان

فرمانداری آبادان
فرماندهی ناحیه هکت زاندری خوزستان

براساس گزارش شماره ۵۱۳۳/۳۰۵۱۳۳/۵۸/۳۰۵۱۳۳ مورخ ۱۳۵۸/۷/۱۸ اداره روابط طابان فقهی - شرکت ملی نفت ایران - چون قرارداد شرکت حفاری سنتافه با شرکت ملی نفت ایران منتهی به فسخ است. شرکت ملی نفت ایران و وزارت راه و ترابری را به عهده های متعلق نماید.

خواهشمند است به موازات فسخ قرارداد (کمیته) به همراه فرمانداری آبادان و سایر مقامات در مسیر اشتغال در کلیه بهیشتار و بوشهر و خرمشهر و سایر مناطق مربوطه از شرکت ملی نفت ایران و وزارت راه و ترابری و سایر مقامات مطلع گردید. در کار اشتغال در کلیه مناطق مربوطه نظارت و هماهنگی لازم است. روز فراموش کرده /

محمد مدان لاسی
معاون امور اجتماعی

گردندگان روشت:

- ۱- استان آری بوشهر جهت اشتغال و ایجاد تسهیلات در امر خروج و کلیه
- ۲- شرکت ملی نفت ایران - اداره روابط - مناطق نفت خیز جهت آگاهی و اجرای
- ۳- بهیشتار - بهیشتار - وزارت راه و ترابری - وزارت راه و ترابری - وزارت راه و ترابری - وزارت راه و ترابری
- ۴- شرکت حفاری سنتافه جهت اطلاع از اشتغال در کلیه بهیشتار
- ۵- دفتر امور اجتماعی جهت اطلاع
- ۶- پلیس راه و ترابری جهت اطلاع

چرا کشاورزان ما باید وام آریامهری اصلاحات ارضی را بپردازند

۱۶ سال قبل رژیم سرسپرده پهلوی برای جایگزین کردن هر چه بیشتر روابط سرمایه داری وابسته به جای روابط فئودالی که هنوز در بسیاری مناطق کشور حاکم بود، به اصلاحات ارضی شاهانه که تنها نفع امیربالیست و سرمایه داران وابسته بود، مبادرت نمود و در ضمن با تبلیغات برسرو صدا، خود را حامی دهقانان زحمتکش و دشمن سرخسخت فئودال ها و ائمه و بزرگان اعلام نمود. اما هنوز بهیشتاری نگذشته بود که کشاورزان بی زمین که در اثر این اصلاحات کذاشتی در بعضی نقاط کشور صاحب قطعه زمین کوچکی شده بودند به ماهیت واقعی این اقدام پیسی بردند چرا که از جنگ زمین داران بزرگ، این دشمنان آشکار خود به درآمده به دام بانک های نرولخواه، دشمن مودی و خطرناک دیگری افتادند. این تفاوت که چهره این دشمن منقلب، آشکار نبود. فقط ماه به ماه، شیبه حاشان به وسیله این زالو صفتان مکیده می شد و پایاسی هم نداشت برخلاف آنچه که مصومی کردند با ابودی فئودال ها و گرفتن یک قطعه زمین که مال خودشان بود به تنها و دشمنان سبودی نیافت بلکه روزی زیر فشار هزینه های سنگین و روز افزون کمراک بیشتر خم می شد و امروز که شانزده سال راپشت سر گذاشته اند، هنوز سایر این وام های پایان ناپذیر هستند.

اما نکته ای که اکنون پس از سرنگونی رژیم منغور پهلوی وجود دارد، انقاع این روابط و تحمت فشار گذاردن کشاورزان در پرداخت بدهی های ماهیانه شان است. دهقانان زحمتکش ماکه همراه با سایر اقشار برای نابودی رژیم سرسپرده پهلوی با تمام روابط استثمار گرانه و ظالمانه اش به پا خاسته و مبارزه کردند، انتظار داشتند که پس از پیروزی راندن شاه با یک اصلاحات ارضی واقعی روبرو شوند. زمینی که روی آن کمار می کنند، بدون هیچ چشمداشتی مال خودشان باشد، اما در عوض رژیم جدید به آنها چه داده است؟ آقای قیومی نیا سرپرست کل بانک کشاورزی استان کرمان در مصاحبه ای با خبرنگاری بار بار اظهار کرده:

"آن عده از کشاورزان که تاکنون بدهی قبوض اصلاحات ارضی گذشته را نپرداخته اند، از بهره دبرگرد معافند و فقط باید اصل مبلغ وام را بپردازند و بدهی کشاورزان که در اثر سرمازدگی به

باغات بسته و محصولات کشاورزی آنها صدمه رسیده و قادر به پرداخت بدهی خود نیستند تعدید و تقسیط شده است." (انقلاب اسلامی شماره ۱۲۸)

لطف و مرحمت رژیم جدید به کشاورزان و پیاسخ به مبارزات آنها تنها "معافیت از بهره دبرکرد" است. دهقانان پس از قیام تاکنون این وام های کمراک را نپرداخته اند چرا که نه تنها نمی توانند این وام ها را بپردازند بلکه علاوه بر آن اصلاحات ارضی را پرداختی را قبول ندارند. اعمال آقای قیومی نیا و امثال ایشان به خوبی ماهیت رژیم و زحمتکشان باشد و خواست واقعی آنها را برآورد. دهقانان تنها با تشکیل درشوراهای واقعی و دمکراتیک خود قادر به اعتراض همگانی علیه این گونه مظالم خواهند بود. دهقانان و سایر زحمتکشان میهن ما تنها به رهبری طبقه کارگر، می توانند سلطه امیربالیست و سرمایه داری وابسته را به طور کامل نابود کرده و با برقراری جمهوری دمکراتیک خلق در جهت محو کامل روابط استثمار گرانه به پیش روند.

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

کارگران با اتحاد خود نقشه های کارفرما را نقش بر آب کردند

بندهای سیاه در بندرانزلی باحتیاط پاسداران مردم مبارز را می ربایند و بقتل می رسانند

پس از حمله پاسداران انقلاب اسلامی به صنادان و مردم زحمتکش انزلی، وشهادت عده زیادی از مردم این شهر به دنبال مبارزات قهرمانانه مردم انزلی، عده های از عناصر معلوم الحال با حمایت پاسداران به شیوه های جنایتکارانه ای متوسل شده و به قصد ارباب و سرکوبی مردم مبارز انزلی، به جنایات آشکاری دست می زنند... این عناصر مزدور مردم مبارز را مخفیانه دستگیر می کنند و به قتل می رسانند. نخستین اقدام وحشیانه آنها این بود که به صورت یکی از افراد پرسنل نیروی دریایی که در جریان تظاهرات خیابانی جانب مردم گرفته بود اسید پاشیدند و در ۲۷ آبان ماه پلاژ آبی را شبانه از خانه اش ربودند و به جمع ترین وضعی به قتل رسانیدند.

جنایتکاران که با جوراب صورت خود را پوشانده بودند با تومنیل شماره ۹۸۶۹۵ نیروی دریایی نیمه های شب مذکور، به قصد کشتن افسر عاشورلو به ساحل انزلی رفتند. جنایتکاران با استفاده از تازیکی شب در حدود ساعت ۱۱/۵ به مقر دوستانش حمله کردند و بعد از ضرب و شتم افراد موجود افسر را با خود بردند و تهدید کردند که اگر از واقعه به کسی حرفی زده شود همه افراد حاضر کشته خواهند شد.

خانواده و دوستان افسر با وجود تلاش های بی نهایت کمترین نشانی از افسر نمی یابند بالاخره در روز جمعه ۲ آذرماه خبر قتل فجیع افسر دوشهرمی بهیچ فالانژها بعد از بودن افسر ۵ گلوله به او زده و برای آن که جسد شناخته نشود صورتش را متلاشی کرده آنرا پنهان کرده جسد توسط مأموران زندان مرزی به دستور مراکز فرودگاه پزشکی قانونی جواز دفن صادر کرده مخفیانه جسد را در روستای به خاک می سپارند. در تاریخ ۳ آذرماه افرادی که از انزلی به رشت رفته بودند موفق به یافتن قبر شده بعد از نبش قبر جنازه را به بندرانزلی منتقل می کنند. این روز مصادف بود با مراسم چهارمین روز شهیدان و زحمتکشان رزمندگان ای که در واقعه دوشنبه ۲۳ مهرماه به دست پاسداران شهید شدند. مردم مبارز و زحمتکش انزلی که در این روز با صفوفی یکپارچه و متحد در خیابان های شهر جمع شده بودند ضمن ادای احترام به شهیدای مبارزان با توفانی از خشم و نفر علیّه فالانژهای جنایتکار و حامیان آنها در شهر شعار می دادند و با مشت های گره کرده عزم راسخ خود را در صورت ادامه انقلاب و مبارزه با جنایتکاران نشان دادند.

بین کارگران قدیمی و جدیدی گرفته تا مبارزه آشکار علیه کارگران آگاه و استفاده از پاسداران و اعمال فشار مستقیم و سرکوبگرانه ایجاد اختلاف بین کارگران و کارمندان که از آنان پشتیبانی می کنند، سود می جوید و حتی توطئه تعطیل کارخانه برای مدت ناچهار ماه پیش می کشد. در پشت تمام اقدامات کارفرما از وزارت گرفته تا پاسداران کمیته صنفی امام، عملاً اقدامات ضد کارگری کارفرما حمایت می کنند و بنا بر ماهیت طبقاتی آنها انتظار غیر از حمایتشان از سرمایه داران نمی تواند وجود داشته باشد. بنایه شورای انقلاب اسلامی هم منبئ بر منوعیت هرگونه اعتصاب و تحمض و اعتراض کارگران چیزی جز حمایت آشکار از سرمایه داران نیست. آنها همین نمونه مشخص به ما نشان نمی دهد که اگر کارگران می خواستند بنا بر بنایه شورای اعتراض خود دست بکشند می بایست تسلیم بیگاری می شدند و زورگویی آشکار سرمایه داران می پذیرفتند؟

در حالی که کارگران با درک عمیق اجتماعی خویش درست در حالی که سرمایه دار صاحب کارخانه تلاش خویش را برای تعطیل کارخانه ادامه می دهد آنها اعلام می کنند که به دلیل تحریم داروهای آمریکائی، فاجعه زلزله خراسان و نیاز مردم در این فصل به دارو حاضرند به کنار بپردازند و در این رابطه پیشنهاد ملی کردن کارخانه را به وزارت صنایع و معادن می دهند تا چرخ تولید را به راه اندازند.

آنها اقدام نکردن این وزارتخانه و سنگ اندازی بقیه مقامات به منظور جلوگیری از ملی شدن کارخانه جز مهربانانه تأیید و حمایت آشکار از منابع سرمایه داران است؟

ضرورت ایجاد تشکیلات واقعی کارگری در عمل در این حرکت مشخص بر کارگران این کارخانه روشن گشته است. اینک بایستی با استفاده از این تجربه آگاهانه بگویند با حفظ تشکیلات ارتقا بخشیدن به آگاهی همکاران خود زمینه را برای وحدت سراسری کارگران فراهم نمایند. امر ملی شدن واقعی کارخانجات هم نمی تواند صورت واقعی به خود گیرد مگر کنترل تولید و توزیع در اختیار شورای کارگران قرار گیرد و جنبش شورای باید در ارتباط با شورای واقعی و سایر کارخانجات امر تولید را پیش برند تا دست سرمایه داران وابسته را کوتاه کنند. کارگران که تنها نیروی پیگیر در مبارزه علیه امپریالیسم و سرمایه داران هستند فقط در صورتی خواهند توانست این مبارزه را به نتیجه برسانند که تشکیلات مستقل خود را داشته و از طریق سازمان سیاسی خاص خویش (حزب طبقه کارگر) هدایت شوند.

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

اختناق امیز کارخانه از بسد و تاسیس و افشای اقدامات ضد کارگری کارفرما و عواملش می پردازد و به عنوان مثال مطرح می کند که دسیسه چینی برای اخراج هشت کارگر از مدت قبل توسط "مقدم" سرپرست یکی از انبارها "نماینده سندیکای فرمایشی" دنبال می شد و او را خراجشان با فشاری می کرده کارگران که به نبرنگ های کوتاگون کارفرما می برده اند با حمایت خود مانع اخراج کارمندان می کردند و به این ترتیب تشکیلات و همبستگی کارگران منجر به پیروزی آنان و شکست کارفرما در این حرکت می شود. در بررسی حرکت کارگران این کارخانه می بینیم که هنوز سندیکای فرمایشی که عملاً عاملو آلت دست کارفرما است تنها تشکیلات موجود در کارخانه است و کارگران قبل از این نتوانسته اند تشکیلاتی که به واقع کارگری باشد و بتواند با دفاع از منافع و خواست های کارگران بسازد خود سری های کارفرما لگام زنند. به وجود آوردن در چنین شرایطی و در صورت نبودن چنین تشکیلاتی است که سرمایه دار صاحب کارخانه به خود اجازه می دهد تا حد اخراج ۱۰۰ نفر از کارگران پیش رود و با اتکا به حمایت وزارتخانه ها و بقیه دستگاه های مسئول و نفوذش در سندیکای قلابی کارخانه تا حد تعطیل کارخانه و بی کار کردن تمامی کارگران به دسیسه چینی علیه کارگران برخیزد. از سوی دیگر می بینیم که کارگران با تشکیلات خود انگیخته ای که در جریان حرکت به وجود آمده است از تمامی راه های قانونی (از مراجع وزارت کار، کمیته صنفی امام...) برای گرفتن حقوق طبیعی خود (حق کار اقسام) می کنند. ولی کارگران مشاهده می کنند که تمامی این دستگاه ها به اشکال گوناگون به حمایت مستقیم و غیر مستقیم از کارفرما بر می خیزند (طبیعی است که این دستگاه های اداری بنا بر ماهیت طبقاتی خویش بایست حافظ منافع سرمایه داران باشند) در این مرحله است که کارگران به اقدام جدی و به اتکا به نیروی اتحاد خود تصمیم می گیرند به شیوه ای دیگر عمل کنند و در کارخانه متحصن شوند و می بینیم که کارفرما و حامیان او مجبور می شوند در مقابل اتحاد یکپارچه کارگران تسلیم شوند.

در اینجا تشکیلات خود انگیخته کارگران در صورتی خواهد توانست موفقیت های خود را تثبیت کند و به موفقیت های دیگر برسد که بتواند به یک تشکیلات آگاهانه تبدیل شود و باید در ارتباط با تشکیلات واقعی کارگری دیگر کارخانجات مشابه قرار گیرد تا بتواند به اهرمی واقعی در مقابل سرمایه داران تبدیل شود. از سوی دیگر توطئه چینی کارفرما را می بینیم که در اشکال مختلف صورت می گیرد و هدف اصلی آن جلوگیری از اتحاد و همبستگی کارگران است. از طرفه اندازی

کارخانه تعیین کند تا کارگران به سرکار خویش بازگشته و به تولید بپردازند. در این شرایط عده ای از کارمندان و سرپرست ها هم از خواست ملی شدن کارخانه حمایت می کنند. مقامات مسئول عملاً کارگران را سر می دوانند و کارگران تصمیم می گیرند تا رسیدن به خواست هایشان در کارخانه متحصن شوند و با این قصد به سوی کارخانه می روند. اما با مقاومت پاسدارانی که از چند روز قبل در آنجا مستقر شده بودند مواجه می شوند و پاسداران به کارگران می گویند بایستی صبر کنیم، مسائل را با تمام مقامات مسئول در میان گذاریم. علاوه بر دلیل تحمض و مابازگشت به کار و ادامه تولید است.

پاسداران که سعی داشتند با تیراندازی هوایی کارگران را متفرق کنند در مقابل سرخشی کارگران ناچار به تسلیم می شوند و کارگران موفق می شوند به درون کارخانه رفته و آنجا متحصن کنند روز بعد نماینده وزارت صنایع و معادن به کارخانه می آید و می گوید مسئله ملی کردن کارخانه دو مرحله دارد. در مرحله اول وزارت کار بایستی علت اخراج را توضیح داده و گزارش کند. (معلوم نیست ملی کردن چه ربطی به علت اخراج کارگران دارد) و با دادن قول مساعد از کارگران می خواهد که کارخانه را ترک کنند. کارگران با گرفتن قول مساعد موقتاً کارخانه را ترک می کنند. در ضمن کارفرما و عواملش علت اخراج هشت نفر را (که در همان زمان به علت کاهش بافتاری کارگران به پنج نفر ذکر کرده می گویند ما کارگر آگاه نمی خواهیم. اینها حرف بزن های شما هستند. و علاوه بر این از این کارگران به داد سزای انقلاب اسلامی شکایت می کنند؟)

داد سزای انقلاب اسلامی هم می گویند روز سه شنبه ۲۹ آبان ماه در مجمعی از کارگران در وزارت صنایع و معادن به شکایت کارفرما رسیدگی خواهد شد. کارگران تصمیم می گیرند با توجه به نیازی که در فصل زمستان به دارو در جامعه وجود دارد همچنین مسئله تحریم داروهای آمریکائی و احتیاج مناطق زلزله زده خراسان به دارو روز شنبه به سر کار خود باز گردند. در ضمن تصمیم می گیرند در صورت اخراج همکارانشان که بدون دلیل صورت گرفته، مجدداً به اعتصاب دست بزنند. روز یکشنبه ۲ آذرماه جلسه تشکیل می شود و به علت تصمیم کارگران و پشتیبانی قاطعی آنان از کارگران اخراجی دادگاه به رفع اتهام از کارگران رای می دهد. آنها نیز به سر کار خود بازمی گردند. کارفرما پس از شکست خود، در مقابل مبارزه قاطعانه کارگران تلاش می کند چند تن از کارمندان را که از ملی شدن کارخانه حمایت کرده اند، اخراج کند، یکی از کارمندان در جلسه ای که با حضور کارگران تشکیل می شود به توضیح شرایط

کارفرمای کارخانه دکتر عبیدی که یک کارخانه داروسازی است اعلام کرده بود که به علت کاهش تولید احتیاجی به کارگران جدیدی که بعد از ۱۵ مرداد استخدام شده اند، ندارد. بعد از این اعلام کارگران جدید را به کارخانه راه نمی دهند و حتی عده ای از کارگران قدیمی هم که از ورودشان به کارخانه جلوگیری می شود. مجموع کسانی که از ورودشان به کارخانه جلوگیری شده حدود ۱۰۰ نفر بودند. این اخراج در وضعیت صورت می گیرد که کارگران خواهان انحلال سندیکای فرمایشی و ایجاد شورای واقعی در کارخانه هستند. بدین ترتیب کارگران تصمیم می گیرند صبح روز چهارشنبه ۸ آبان ۵۸ همگی جلوی کارخانه جمع شوند و تصمیم قطعی بگیرند. در این تجمع کارگران پس از بحث و گفتگو به این نتیجه می رسند که چند نماینده انتخاب کنند تا با مراجعه به مقامات و مواسات مسئول به خواست هایشان رسیدگی شود. در ضمن تصمیم گرفته می شود در صورت عدم پاسخگویی از طرف مقامات تا رسیدگی قطعی و تعیین تکلیف کارگران اخراجی در کارخانه متحصن شوند. نمایندگان کارگران به وزارت کار، وزارت بهداشتی، کانون شوراهای وابسته به حزب جمهوری اسلامی و کمیته های صنفی امام مراجعه می کنند و با نمایندگان این موسسات به میان کارگران می آیند و با نمایندگان کارگران مذاکره می کنند. در وزارت کار به آنها اعلام می شود که طبق ماده ۳۳ کارفرما حق دارد کارگران را اخراج کند کمیته صنفی امام هم پس از جلساتی با کارفرما پاسخ مشخصی به کارگران نمی دهد. کارفرما که با مقاومت و همبستگی جسیدی کارگران مواجه می شود حرف اول خود را پس می گوید و می گویند فقط ۸ نفر را اخراج کرده است و بقیه می توانند به سرکار خود برگردند. ولی کارگران که به ضرورت همبستگی را دریافته اند این پیشنهاد مزورانه کارفرما را نمی پذیرند. آنها قاطعانه اعلام می دارند تا بازگشت تمامی کارگران به کار به مبارزه خویش ادامه خواهند داد. آنها می گویند این ۸ نفر همواره مدافع واقعی ما بوده اند. ماهمه مشکل یک تن واحد هستیم. هر یک از ما قسمتی از این تن است. این ۸ نفر مثل چشم های یک تن هستند. اگر این ۸ نفر نباشند مثل این که این بدن کور است. ما تن مریضی نمی خواهیم. ما با هم سالمیم و بی هم میبوی. به این ترتیب پاسخ تفرقه اندازی کارفرما را می دهند. در این موقع کارفرما کارخانه را تا مدت نامعلوم تعطیل اعلام می کند. کارگران که وضع را چنین می بینند از طریق نمایندگانشان به وزاران صنایع و معادن وزارت بهداشتی مراجعه می کنند و پیشنهاد می کنند که کارخانه ملی اعلام شود و وزارت صنایع و معادن مدیری برای



پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

به سازمان دانشجویان پیشگام به مناسبت

۱۶ آذر روز دانشجویان

راه سرخ ۱۶ آذر

در تاریخ مبارزات خونین جنبش دانشجویی میهن ما سرکوب خونین ۱۶ آذر ۳۲ یکی از آن صفحات سرخی است که هرگز از خاطره توده‌های قهرمانان ایران فراموش نخواهد شد. هنوز چند ماهی از کودتای آمریکا ۲۸ مرداد و سرکوب خونین جنبش ضدامپریالیستی خلق‌های ایران نگذشته بود که نیکسون معاون آیزنهاور رئیس جمهوری آمریکا سرمستاز شکست جنبش و واژگونی حکومت مصدق برای حمایت از رژیم که تا همین منافع انحصارات جهانی و شرکای داخلی آنان را برعهده داشت، روانه ایران شد. مهم‌ترین ما موریت نیکسون در این سفر این بود که با فراهم آوردن زمینه برای انعقاد قرارداد کسرسیوم، دستاوردهای مبارزات مردم ایران را در راه ملی کردن صنعت نفت پایمال سازد. رژیم که هنوز با پاهای خود را تحکیم نیافته می‌دید و به خصوص از گسترش جنبش دانشجویی و تأثیر آن بر جنبش توده‌ای به شدت هراس داشت، در آستانه ورود نیکسون به دستور کار شناسان و مشاوران آمریکائی و انگلیسی و به منظور ایجاد فضای زعب و اختناق در کمال قساوت و بی‌رحمی به دانشگاه پورش برد و شریعت رضوی، بزرگ‌نیا و قندچی را در صحنه دانشگاه به شهادت رساند.

خون کومنیست‌ها و دیگر نیروهای مترقی در صحنه دانشگاه به هم آمیخت و یاد پیکران واقفیت که در مبارزه با امپریالیسم دیگر نیروهای خلق متحد کومنیست‌ها هستند، به اثبات رسید.

اما این سرکوب خونین نیز مثل بسیاری از سرکوب‌های دیگر، تجربه مبارزاتی خلق ما را غنی تر ساخت و جنبش دانشجویی از آن به منافع مصلحتی موثر علیه امپریالیسم و شرکایش بهره گرفت.

در سالانی که سایه شوم و خفقان بار رژیم شاه بر تمام پهنه ایران گردید، در روزهای که عوامل سیا و ساواک با هزاران تهدید و جنایت از جمیع دانشجویان، از پیوند دانشجویان با حرکت دانشجویی را گردود هفتان، از پیوند جنبش دانشجویی با جنبش توده‌ای و بطور کلی از هر حرکت دانشجویی جلوگیری می‌کردند، در سال‌هایی که گماندها و واژه‌ها از ارتش ضد خلقی و نیروهای گارد مزدور و موحشانه‌ترین شکل ممکن به اجتماعات دانشجویی و دانشکده‌ها پورش می‌پردند و نیروی جنبشی خود را به کار می‌گرفتند تا نگذارند صدای دانشجویان روزمنده و ترقی خواه که فریاد خلق ایران بود و هوسناستاز حصارهای دانشگاه‌ها را زود به گوش می‌سردم برسد، در سال‌هایی که در خمیان رژیم هر صدای حق طلبانه‌ای را در گلو خفه می‌کردند... سالگردهای سرکوب خونین شانزده آذر ۳۲، معادگاه دانشجویان رزمنده و دیگر رزندگان خلق شد و از این معادگاه بود که فریاد دانشجویان به انعکاس فریاد حق طلبانه خلقی ستم دیده، پرده‌ها و دیوارهای حقارت بارسکون و سکوت را می‌شکست و همه رنجبران و آزادی خواهان را به اتحاد، مبارزه، پیروزی فرامی خواند.

پس از تجربه خونین شانزده آذر، جنبش دانشجویی غنی تر و پربارتر از گذشته به حرکت خود ادامه داد و در خفقان بارترین روزهای سلطه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته نیز از حرکت باز نایستاد و در پی هر سرکوب، مصمم تر و آگاه تر از پیش، پرچم سرخ مبارزه را برافراشته داشت و فدائیکارترین و رزمنده‌ترین پیشاهنگان جنبش رهائی بخش را در دل خود پرورش داد و به میدان مبارزه فرستاد. جنبش دانشجویی هر چند در سال‌های سیاه خفقان، مراحل رشد را به سرعت نپیمود اما در مراحل از رشد خود توانست حصار دانشگاه را فروریزد و با جنبش توده‌ای پیوند یابد و مبارزه را به خیابان‌ها، محله‌ها و حتی کارخانه‌ها کشاند.

همراه با رشد جنبش توده‌ای، جنبش دانشجویی پیوسته ایستادگی بیشتری به خود گرفت و پایه کارگرفتن اشکال نوین مبارزه، پیوند خود را با جنبش توده‌ای عمیق بخشید، دانشگاه‌ها به سنگ‌های مقدم مبارزات ضدامپریالیستی و دمکراتیک بدل شدند و بسیاری از دیوارهای میان جنبش دانشجویی و جنبش توده‌ای فرو ریخت.

در مبارزات قهرمانانه سال‌های اخیر که به قیام شکوهمند بهمن ماه و سرنگونی رژیم سلطنتی انجامید، جنبش دانشجویی با شرکت فعال و همه جانبه در مبارزات ضد

امپریالیستی و دمکراتیک عمق و اعتلا یافت و در تعمیق و اعتلای جنبش توده‌ای نقشی موثر بازی کرد.

سازمان سیاسی طبقه کارگر

جنبش توده‌ای و وظایف سازمان دانشجویی

امروز که خلق ما پس از سال‌ها مبارزه خونین و حماسه آفرین دورتازهای از مبارزه ضدامپریالیستی - دمکراتیک خود را آغاز کرده است، امروز که با عباد مبارزات طبقه کارگر و توده‌های میلیونی ایران و جهان با پاهای اقتصدار امپریالیسم جهانی راه لژ در آورده است، طبقه سرمایه دار ایران تحت حمایت امپریالیسم آمریکا، همه تلاش‌های خود را برای شکست مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های میهن ما به کار گرفته است.

سیاست‌ها و اهداف مدافع سرمایه داری انحصاری در چهره‌های ناشناخته و مردم فریب به صحنه فرستاده می‌شوند. لیبوال‌ها با استفاده از هر فرصتی مودیان به قدرت می‌خیزند و هر دوی اینان تحت حمایت امپریالیسم و با بهره‌گیری از ضعف‌های تاریخی و تمایلات ضد کومنیستی روحانیت کسه مشخماگرایشی ارتجاعی است، سرکوب و شکست جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های میهن ما را آرزو می‌کنند در این شرایط جنبش دانشجویی ایران با ری بسیار عظیم تر و سنگین تر از گذشته به دوش می‌کشد و از همین رو است که وظایف آن بسی دشوارتر از گذشته است. از این رو حرکات و جهت‌گیری‌های درست جنبش دانشجویی و اشکال مبارزه آن بیش از پیش اهمیت یافته است.

جنبش دانشجویی که بخش رشد یافته‌ای از جنبش توده‌ای است، باید در پیوند تنگاتنگ با کل جنبش باشد و متناسب با فرازونشیب جنبش توده‌ای گام بردارد.

سازمان‌های دانشجویی وابسته به سازمان سیاسی طبقه کارگر باید با سازمان‌دهی و تشکل جنبش توده‌ای دانشجویی این جنبش را تحت رهبری سازمان سیاسی طبقه کارگر در آورند و از این طریق به توبه خود نقش وسیع خویش را در تاسیس رهبری طبقه کارگر در سطح جنبش رهائی بخش و دمکراتیک خلق‌های ایران ایفا نمایند. این وظیفه عمده سازمان دانشجویی وابسته به طبقه کارگر است.

تنها تشکل جنبش دانشجویی می‌تواند عمیق آن با جنبش توده‌ای است که می‌تواند مبارزات دانشجویی را از چهار دیواری دانشگاه به پهنه جنبش بکشاند، میان کارخانه و دانشگاه، روستا و دانشگاه، سربازخانه و دانشگاه، مدرسه و دانشگاه و بطور کلی جنبش توده‌ای و جنبش دانشجویی رابطه عمیق و ارگانیک برقرار کند و در ارتقاء آگاهی سیاسی توده‌ها موثر افتد.

سازمان توده‌ای جنبش دانشجویی دانشکده‌ای است که در جریان مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک خود آگاهی‌های سیاسی، روحیه مبارزاتی و قدرت سازمان‌دهی جنبش دانشجویی را افزایش می‌دهد. این سازمان همانند سازمان توده‌ای دیگر، تنها مبارزه ضدامپریالیستی - دمکراتیک را به پیش می‌راند، بلکه دانشکده‌ها را همستند برای رشد دانشجویانی که در آینده به سازمان سیاسی طبقه کارگر می‌پیوندند. سازمان توده‌ای جنبش دانشجویی همگام با پیشبرد مبارزات ضدامپریالیستی و دمکراتیک و حضور فعال در صحنه‌های سیاسی جنبش، عناصر کم تجربه‌ای را که نیازگی به صفوف جنبش دانشجویی پیوسته‌اند، سازمان و پیروش می‌دهد. به همین دلیل این گونه سازمان‌های توده‌ای باید حتی الامکان در برگیرنده همه دانشجویان ترقی خست و دمکرات بود و استعداد‌های صیقل ناپافته را صیقل دهند و گرایش‌های دمکراتیک را تقویت کنند و ارتقاء دهند.

در شرایط کنونی که مبارزات ضدامپریالیستی توده‌ها اعتلای تازه‌ای یافته است، سازمان‌های توده‌ای دانشجویی باید با حضور هر چه فعال‌تر در مبارزات سیاسی و شرکت همه جانبه در مبارزات توده‌ها در تعمیق و گسترش ابعاد مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های ایران بکوشند.

سازمان‌های توده‌ای باید به دور از هرگونه تنگ نظری پیوسته به منافع جنبش توده‌ای بپندیشند و در جهت اهداف جنبش

توده‌ای حرکت کنند. از همین رو است که در شرایط فعلی باید عمده نیروی خود را در جهت مبارزه با دشمن اصلی خلق، یعنی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی آن یعنی طبقه سرمایه دار ایران سمت دهند. در این راه همکاری نیروهای مترقی مذهبی با کومنیست‌ها که به تقویت گرایش‌های ترقی خواهانه و تضعیف گرایش‌های ارتجاعی بیانجامد، به سود جنبش تمام خواهد شد.

مایکارد بیکرا اعلام می‌کنیم که قضاوت درست و برخوردار واقع بینانه با نیروها و جریان‌های سیاسی موجود در سطح جنبش ضدامپریالیستی - دمکراتیک، نقش مهمی در تقویت زمینه‌های وحدت عمل آنان ایفا می‌کند.

دانشگاه سنگر مبارزه

ضدامپریالیستی و دمکراتیک

دانشجویان رزمنده پیشگام! دانشگاه باید همچنان سنگر مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و نوکرانش باشد. جنبش دانشجویی باید همه توان خود را برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا و طبقه سرمایه دار ایران که با هزاران رشته با امپریالیسم پیوند دارد، بکار گیرد. جنبش دانشجویی می‌باید در راستای اینجگام تشکلاتی و دست‌یابی به وحدت و موجودیت متشکل سراسری بطور بی‌گرویش کند.

در اوضاع و احوال کنونی سازمان دانشجویان پیشگام بنا بر وظایف پراهمیتی که به عهده دارد، باید به منظور مقابله با تهدیدات امپریالیسم آمریکا، دانشجویان را در پیشبرد وظایف عاجل زیر هدايت کند:

۱- با برگزاری نمايشگاه‌ها و سخنرانی‌ها و افشا جنایات امپریالیسم آمریکا در ایران و سراسر جهان، بکوشند درک روشنی از امپریالیسم به مردم ارائه دهند. این نمايشگاه‌ها و سخنرانی‌ها را در هر کجا که می‌توانند تشکيل امکان‌ها و سخنرانی‌ها و سخنرانی‌ها را در دانشگاه‌ها و محل کار، بلکه در محلات و کوچه و خیابان نیز باید برگزار کنند.

۲- دانشجویان را راهنمایی کنند که با استفاده از تجربیات نظامی سازمان‌های انقلابی و مطالعه هرگونه آثار شوریک در این زمینه، در ارتقاء دانش نظامی خود بکوشند. و خود را برای مقابله با هر پورش نظامی احتمالی امپریالیسم آمریکا آماده کنند. آنها هم چنین باید با به خدمت گرفتن امکانات موجود به یادگان‌ها و سربازخانه‌ها مراجعه نمایند و روش‌های کاربرد سلاح را عملاً فراگیرند و فنون نظامی را بیاموزند.

۳- در جنبش‌های اعتراضی توده‌ای شرکت کنند و دامنه توده‌ای شعارها را گسترش دهند.

۴- معتقد داریم تنها با شرکت فعال در مبارزه ضدامپریالیستی و دمکراتیک است که سازمان‌های توده‌ای وابسته به جنبش کومنیستی می‌توانند با گرایش‌های ارتجاعی مبارزه کنند و گرایش‌ها و نهاد‌های دمکراتیک درون جنبش را تقویت و تحکیم نمایند و به نوبه خود در امر تاسیس رهبری طبقه کارگر موثر افتند.

در اهتزاز با پرچم خونین جنبش دانشجویی ایران مستحکم باد پیوند جنبش دانشجویی با جنبش توده‌ای پر فروغ تر باد خاطره شهیدای ۱۶ آذر سرگ، بر امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلق‌های ایران نابود باد نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم

سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران
۱۶ آذر ماه ۵۸

مستحکم باد پیوند جنبش دانشجویی با جنبش توده‌ای

لنین ... از فوریه تا اکتبر

تعمق در تجارب انقلاب کبیراکتبر، همیشه برای انقلابیون سراسر جهان حاوی ارزشهای عظیمی بود است. در این ميسان مطالعه عمیق آنچه که بر روسیه ۱۹۱۷ بین دو انقلاب فوریه و اکتبر گذشته است جای ویژه ای دارد. بخصوص هرگاه بپذیریم گرایش هایی می کوشند روندهایی را که بین فوریه تا اکتبر در روسیه طی شده است به تمامی وبه نحوی مکانیکی با شرایط و موقعیت کنونی جامعه ما منطبق سازند، ارزیابی همه جانبه این دوره تاریخ ساز روسیه اهمیتی صدچندان می یابد. در این مقاله، از نگاه لنین با جنبه های از فوریه تا اکتبر آشنا می شویم.

کشور حاضر بودند، فاش نمود. در سال ۱۹۱۶ بحران در روسیه اوج می گیرد. ناراضیانی در همه جا بین کارگران، دهقانان و سربازان خود را نشان می دهد. اعتصابات ابعادی سابقه ای پیدا می کنند. در پائیز ۱۹۱۶ مبارزات توده ای با زهم گسترش بیشتری می یابد. حکومت ناتوانی خود را در برابر امواج طوفانی توده ها نشان می دهد و سال ۱۹۱۷ با امواج وسیع اعتصابات آغاز می گردد. یک اعتصاب سیاسی که در ۲۵ فوریه در پیروگراد آغاز گردید به زودی به یک اعتصاب عمومی تبدیل شد و در ۲۶ فوریه به قیام مسلحانه انجامید.

لنین در فاصله دو انقلاب فوریه تا اکتبر می گوید: "نخستین انقلاب که از اکتبر گذشته جنگ جهانی است. این نخستین انقلاب مسلماً آخرین انقلاب نخواهد بود. ... چگونه چنین معجزه ای تواند به وقوع پیوندد که بساط سلطنتی که قرن ها دوام آورده و در جریان سه سال یعنی از ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۷ که طی آن بزرگ ترین نبردهای طبقاتی تمام مردم بوقوع پیوست علیرغم تمام مشکلات با برجا ماند، فقط در ظرف ۸ روز برچیده شود؟ ... در طبیعت و تاریخ معجزه

بعد از انقلاب فوریه، نیمی از قدرت سیاسی عملاً در دست شوراهای انقلابی کارگران، دهقانان و سربازان بود.

رومی نمی دهد. برای آن که بساط سلطنت تزاری در ظرف چند روز برچیده شود، لازم بود یک سلسله سرباطی که دارای اهمیت تاریخی جهانی است باید بکمر توام گردد. بدون بزرگترین نبردهای طبقاتی پروتاریائی روس و انرژی انقلابی وی طی سه سال ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۷ ممکن نبود انقلاب توام با چنین سرعتی به وقوع پیوندد. بدین معنی که مرحله انقلابی آن در عرض چند روز به پایان رسد. نخستین انقلاب روسیه ۱۹۰۵ زمین را عمیقاً شخم زد و ریشه های خرافات کهن را بیرون کشید و شور زندگی سیاسی و مبارزه سیاسی را در ملیونها کارگر و دهها میلیون دهقان برانگیخت و طبیعت واقعی تمام طبقات (و تمام احزاب عمده) جامعه روس، مناسبات واقعی بین منافع آنان، تناسب قوای آنان، شیوه های عمل آنان و هدف های نزدیک و دور آنان را به یکدیگر و به تمام جهانبیان نشان داد. نخستین انقلاب و دوران ضد انقلاب (۱۹۰۷-۱۹۱۴) که از بی آن فرار شد تمام ماهیت سلطنت تزاری را آشکار ساخت و آن را به سرحد نهائی خود رساند و تمام فساد، پلیدی، و فاحش و هرزگی باند تزاری را که راسپوتین حیوان صفت براس آن قرار داشت، و تمام درنده خوئی خاندان رما تفها - این تالانگرانی را که روسیه را در خون یهودیان، کارگران و انقلابیون غرق ساختند. این ملاکان صاحب میلیون ها دیسین زمین را که برای حفظ مالکیت مقدس "خود و طبقه خود" به هر سعیت، جنایت خانمان براندازی در مورد هر فردی از افراد

آن که بارها بر روی تظاهرات کارگری آتش می کشید، امانی تواند قیام توده ها را در هم بشکند. سربازان به طرف کارگران می آیند و بالاخره در اواخر فوریه قیام مردم پیش می رود و سرانجام در ۲۷ مهین ماه رژیم استبدادی تزاری و ازگسون می شود و شورای نمایندگان پتروگراد که از نفوذ وسیعی برخوردار بود به عنوان ارگان قدرت انقلابی، حاکمیت را بدست می گیرد. اما نفوذ احزاب خرد بورژوازی (منشویک ها و اسارها) در شورای پتروگراد باعث می شود که یک حکومت بورژوازی سرکار بیاید و در نتیجه به تقویض قدرت به بورژوازی منجر گردد و احزاب بورژوازی به عنوان احزاب حاکم نخستین قیام باید در اس قرار بگیرد. لنین درباره قدرت گیری احزاب بورژوازی در این انقلاب می گوید: "تصادفی نبود که قدرت به دست این حزب افتاد. گرچه کسانی که بر ضد نیروهای تزاری مبارزه کردند و در راه آزادی خون ریختند، البته سرمایه داران نبودند بلکه کارگران و دهقانان، ملوانان و سربازان بودند. علت این که قدرت به دست حزب سرمایه داران افتاد این بود که این طبقه نیروی ثروت، سازمان و معلومات لازم را در اختیار خود داشت."

(لنین، در سبای انقلاب) اما پرولتاریا که در این انقلاب نقش ارزنده ای به عهده داشت، اجازه نمی دهد که بورژوازی تمام قدرت را در دست بگیرد. به این ترتیب که با ایجاد شوراهای

مناسبت نعت و دامن سالگرد انقلاب کبیراکتبر انقلاب کبیراکتبر به منزله آغاز و مقدمه انقلابات پرولتری سراسر جهان

کارگران، دهقانان و سربازان در سراسر کشور عملاً قدرت دوگانه ای در کشور برقرار می گردد. بعضی نیمی از قدرت در دست دولت بورژوازی موقت و نیمه دیگر دست شوراهای کارگری و دهقانی باقی می ماند. حزب بلشویک فعالیت خود را برای به سرانجام رساندن انقلاب و پیروزی سوسیالیسم به شدت ادامه می دهد. شوراهای به اجرای وظائف انقلابی می پردازند، اما رهبری منشویک، واسار که رهبرانشان با بورژوازی سازش کرده بودند، نقش انقلابی شوراهارا کاهش داده و قدرت بورژوازی را تقویت می کنند. دولت موقت که قادر به انجام هیچ یک از خواست های کارگران و دهقانان نبود با حقه ها و تاکتیک های عوام فریبانه و اقدامات رفاهی ظاهری به گول زدن توده های می پردازد و سعی می کند روحیه انقلابی توده ها را تقویت کند و مقاومت آنها را در هم بکوبد. اما این حکومت با اقدامات نیم بند خود نتوانست نمی توانست جوایجوی خواستهای توده ها و برآوردن شعارهای توده های قیام کننده باشد بلکه خواستار ادامه جنگی بود که منافع خود را در آن می دید (جنگ امپریالیستی سال های ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸) سرانجام بحران اوج گرفت و در سوم ژوئن همان سال یک اعتصاب سراسری با تظاهرات گسترده در پتروگراد شکل گرفت که بیش از نیم میلیون نفر در آن شرکت کردند.

بورژوازی با شوراهای گسه به صورت ارگان های مبارزه طبقاتی و تبلیغاتی وسیع درآمد بود، مخالف بود. دیری نپایید که دولت بورژوازی ماهیت خود را بر آن بخشاز کارگران و دهقانان روسیه که از دولت انتظار تصمیم گیری های انقلابی داشتند آشکار کردند.

علت اینکه قدرت به دست حزب سرمایه داران افتاد این بود که این طبقه نیروی ثروت، سازمان و معلومات لازم را در اختیار خود داشت.

این دولت حتی به ابتدائی ترین خواست های زحمتکشان که عبارت بود از ۴۸ ساعت کار برای کارگران و زمین به دهقانان، نتوانست پاسخ گوید. لنین درباره اهداف انقلاب و خواست های توده ها از آن نتایج سرکار آمدن دولت بورژوازی چنین می گوید: "در واقع بینیم هدف توده های کارگر و دهقان هنگام دست زدن به انقلاب چه بود؟ چه انتظاری از انقلاب داشتند؟ چنانچه می دانیم انتظار آنها آزادی، صلح و نمان و زمین بود. ولی اکنون چه می بینیم؟ به جای آزادی؟ به تجدید فعال مایشائی سابق پرداخته اند. برای سربازان در جبهه کیفر اعدام مقرر شده است. دهقانان را به جرم تصاحب خود سرانه زمین ها می مالکین به دادگاه جلب می نمایند. چا پخانه های روزنامه های کارگری را تاراج می کنند. روزنامه های

کارگری را بدون محاکمه توقیف می نمایند. بلشویک ها را بازداشت می کنند و این عمل اغلب حتی می گیرد. اگر همه چیز در دهقانان تعلق بگیرد و کارخانه ها در انصورت خواهیم دانست چیزی داریم که برای آن بجنگیم و خواهیم جنگید."

دست به این عمل می زند که مردم از نبودن کالادر مصرفی اند. اکثریت عظیم دهقانان در کنگره های دهقانی با بانگی رسا و به نحو روشن اعلام داشته اند مالکیت ملاکان را بر زمین ها و بی عدالتی و بی نماگری می دانند و حال آنکه دولتی که خود را انقلابی و دمکراتیک می نامد ماه ها است دهقانان را سر می دواند و با وعده و دفع الوقت فریبشان می دهد. ... گستاخی دولت در امر دفاع از ملاکین، به جائی رسیده است که دهقانان را به جرم ضبط "خود سرانه" زمین به دادگاه جلب می نماید. دهقانان را سر می دواند و با وعده و دفع الوقت فریبشان می دهد. ... گستاخی دولت در امر دفاع از ملاکین، به جائی رسیده است که دهقانان را به جرم ضبط "خود سرانه" زمین به دادگاه جلب می نماید. دهقانان را سر می دواند و با وعده و دفع الوقت فریبشان می دهد. ... گستاخی دولت در امر دفاع از ملاکین، به جائی رسیده است که دهقانان را به جرم ضبط "خود سرانه" زمین به دادگاه جلب می نماید.

راترک می گفتند و به صورت موجهائی عظیم و بی مقصد در سراسر این سرزمین پراکنده می شدند. سربازان می گفتند: "آنها که آن بالا نشسته اند همیشه از ما می خواهند که بیشتر فداکاری کنیم، در حالی که آنها بی که همه چیز دارند هیچ کس مزاحشان نیست. آخر به ما بگوئید که برای چه می جنگیم؟ آیا برای اهداف سرمایه داران؟ جنگیم یا برای روسیه آزاد؟ آیا برای دمکراسی می جنگیم یا برای غارتگران سرمایه دار؟ اگر شما به ما ثابت کنید که برای انقلاب می جنگیم در انصورت ما بدون این که مجازات اعدام مجبورمان کند، به جنگ خواهیم رفت و خواهیم جنگید. وقتی که زمین به دهقانان تعلق بگیرد و کارخانه ها به کارگران و سربازان در انصورت خواهیم دانست، چیزی داریم که برای آن بجنگیم و برای آن خواهیم جنگید." دمقنان، خسته از انتظار برای زمین و خشکی ازنفاثاتی که حکومت برای سرکوب آنان وارد می کرد، خانه های اربابی را رها کرده و به طرف شهرها سرازیر شده بودند. اعتصابات فوق العاده وسیع و اخراج های دسته جمعی مسکو و دیگر شهرهای روسیه را فرارگرفت، حمل و نقل فلج، ارتش گرسنه و در شهرهای بزرگ خواروار نایاب بود.

لنین تحت عنوان مقاله ای "خطر فلاکت و راه مبارزه با آن" را چنین تصویر می کند: "شش ماه از انقلاب می گذرد فلاکت بیش از پیش نزدیک شده است. بیکاری جنبه همگانی به خود گرفته است. همینقدر فکر کنید، کشور از کمبود خوار و بارو کالا و کافی نبودن نیروی کار دستخوش نابودی است و حال آنکه غلغله مواد خام به حد کافی وجود دارد و آن وقت در چنین کشوری در چنین لحظه بحرانی بیکاری تا این حد دامنه گرفته است. چه برهانی از این بالاتر که طی ۶ ماه انقلاب (که بعضی ها آن را کبیراکتبر می نامند ولی عجلالتا شاید صحیح تر بود آن را بوسیله می نامیدند) با وجود جمهوری دمکراتیک و با وجود این همه اتحادیه و ارگان و موسساتی که با غرور تمام عنوان دموکراتیک انقلابی به خود می دهند، حتی یک اقدام جدی هم بر ضد فلاکت و قحطی به عمل نیامده است؟ ما با سرعتی روز افزون به ورطه شگفتی نزدیک می شویم. زیرا جنگ منتظر نمی شود و پیریشانی موجود در کلیه شئون زندگی مردم که جنگ موجب آن است، دمدم شدت می یابد. و حال آن که انهدک توجه و تعمق در اوضاع کافی است تا یقین حاصل شود که وسایل مبارزه علیه فلاکت و قحطی موجود و اقدامات مبارزه کاملاً روشن و ساده و کاملاً عملی و نیروی مردم هم برای انجام آن کاملاً کافی است و اگر این اقدامات عملی نمی شود علتش فقط و فقط این است که به سودهای گسراف مثنی ملاک و سرمایه دار لطمه می زند." (تاکیدها از رفیق لنین) (لنین، خطر فلاکت و راه مبارزه با آن)

ادامه دارد



چه کسانی می خواهند رهبران جنایتکار امپریالیسم آمریکا ...

بقیه از صفحه ۱

در شان کندها است. جالب است اگر دقت نمود سنا توری که در تلویزیون جمهوری اسلامی از آن تمجید می شود، کیست؟ او محقق است. ایالات متحده در برابر فلسطینی ها حالتی بسیار آشتی جوینانه دارد. و تا کید می کند که: "می باید فلسطینی ها، قاطعانه تر و خشن تر برخورد شود ..."

(قطب زاده این عضو شورای انقلاب، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی و مسئول اصلی سیاست های تبلیغاتی رادیو و تلویزیون می شود کندی ها را که طراح مزورانه ترین برنامه ها، در سرکوب جنبش های زحمتی بخش خلق های سراسر جهان هستند "آدم های خوب و مردان شریف" جلوه دهد.)

همین سیاست تبلیغاتی در روزهای نخست تسخیر سفارت آمریکا ضمن این که خود را مخالف دولت آتش فشا امپریالیسم نشان می داد، شیوه های تبلیغاتی رندانه ای برای آشتی دادن مردم ما با گرگ های آمریکائی به کار گرفت. زمانی که مردم نفرت عمیق خود را از امپریالیسم آمریکا در کوچه و خیابان فریاد می زدند، از تلویزیون برنامه های بخش شده هدف آن فروخواندن خشم و نفرت توده ها نسبت به امپریالیسم آمریکا بود. چند زن آمریکائی در صفحه تلویزیون ظاهر شدند که عکس هایی از "آیت الله خمینی" را همراه داشتند. این عکس ها صرفاً برای تحریک احساسات مذهبی مردم و جلب نظر مساعد آنان نسبت به "امریکائی ها" بود.

چند روز پس از تسخیر سفارت آمریکا برنامه اخبار تلویزیون فیلمی بخش گردید که نشان می داد یک زن آمریکائی "چادر به سر" در یک خانواده ایرانی "عابد و مسلمان" شده و همسر جوان مسلمان ایرانی و مومن به انقلاب اسلامی در آمده است. این عروس تازه مسلمان شده آمریکائی، در کنار همسر مومن ایرانی خود در صفحه تلویزیون ظاهر شد و کوشید این توهم را پدید آورد که آمریکا دوست گذشته و حال و آینده ایرانیان باقی خواهد ماند. و این همه زمانی انجام می گرفت که امپریالیسم آمریکا در وحشت خشم و نفرت توفنده مردم، تظاهرات دانشجویان ایرانی را به خون می کشید. تظاهراتی که به حمایت از مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک توده های میهن ما در شهرهای مختلف آمریکا صورت می گرفت.

تحریف اخبار و هم آوازی قطب زاده با نگاه های رادیو - تلویزیونی و خبرگزاری های آمریکائی در برهه انحراف کثانیدن مبارزات مردم علیه امپریالیسم آمریکا بدان پایه بود که آقای "بنی صدر" در مطبوعات کشور علناً و آشکاراً به همکار خود در شورای انقلاب و جانشین خود در وزارت امور خارجه حمله کرد. و نشان داد که

"حسن روایت" ایران با آمریکا در صورت روی کار آمدن احتمالی "کندی" فراهم گردد. برای افشا، دقیق ترین سیاست تبلیغاتی در تلویزیون جمهوری اسلامی باید به مساله "صمیمی تر توجه کنیم". در کشورهای امپریالیستی از جمله در آمریکا سرمایه داران انحصارگر بر سر سیم می که از غارت دسترنج کارگران و زحمتکشان به آنها می رسد با همدیگر اختلاف دارند. این اختلافات باعث می شود که هر کدام از این سرمایه داران در پیکی از دسته بندی های سیاسی شرکت کنند. یک دسته که بیشتر در حزب جمهوری خواه گزدهم آید مانند از انحصارات تولید کننده تسلیحات و ماشین های جنگی دفاع می کنند. و دسته دیگر که بیشتر در حزب دمکرات آمریکا جمع شده اند از منافع سرمایه دارانی که در بخش های مصرفی سرمایه گذاری کرده اند دفاع می کنند.

رقابت بین جناح های امپریالیستی در حقیقت چیزی جز جریبوت های سرمایه داران آمریکائی برای تأمین منافع خود و متحد نشان در جهان و در میهن ما نیست. آنان برای این که سیاست های خود را به اجرا در آورند به هر کاری متوسل می شوند. این درگیری و مبارزه سیاسی به هنگام انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا در اثر می شود و هر گروه سعی می کند برای جلب آرا، بیشتر و بیرون راندن رقیب از بحران ها و درگیری های سیاسی به سود خود بهره برداری تبلیغاتی کند.

آنچه که "سناتور کندی" بر زبان زاند و دست مایه تبلیغاتی قطب زاده شد، چیزی جز یک مانور امپریالیستی برای فریب ما و رای دهندگان آمریکائی نبود. کندی چون کاندیدای رئیس جمهوری آمریکا شده با این حرف ها می خواهد چهره جنایتکار امپریالیسم آمریکا را بیوشانند. غافل از این که مردم جهان دوران "کندی ها" را "زاهم دیده اند". امپریالیسم، امپریالیسم است چه کارش در راس آنها باشد چه کندی و چه هر کس دیگری.

طرح "انقلاب سفید شاه" و به دنبال آن کشتار فحیح و وحشیانه خلق ۱۵۸۰۰ خرداد ۴۲ هم از سیاست های همین کندی ها بوده است. انقلاب سفیدی که به بهای فقر و خانه خرابی و ورشکستگی کارگران و دهقانان و کسبه و پیشه وران ایران به برپائی انواع و اقسام صنایع مونتانز و سرازیر شدن سرمایه و کالاهای آمریکائی، اروپائی، ژاپنی منجر شد. در زمان ریاست جمهوری کندی به انجام رسید. "کندی ها" طراح یک برنامه تازه برای تحکیم سلطه امپریالیسم آمریکا در میهن ما و کشورهای به اصطلاح "جهان سوم" بودند.

سیاست گسترش جنگ ویتنام، حمله به کوبا، سرکوب جنبش رهاشی بخش در آمریکا لاتین و افریقا و دیگر نقاط جهان، کشتار هزاران انقلابی و میهن پرست، از جمله "پاتریس لومومبا"، "چه گوارا" و ... در شمار کارنامه

کارهای قطب زاده آبروی رژیم را می برد. بدون شک بی دلیل نیست که ماشین تبلیغاتی امپریالیسم آمریکا از بین چهره های شناخته شده حکومتی قطب زاده را انتخاب می کند و می گوید از وی یک چهره برجسته بسازد و تیترگزاری های آمریکا از جمله (ABC) مدام با ایشان "مصاحبه های اختصاصی" ترتیب می دهند. مجله تایمز و دیگر مجلات آمریکائی و اروپائی هر بار صفحات خاصی را به این کار اختصاص داده اند. در غرب اینطور وانمود می شود که کویبسا قطب زاده از برجسته ترین شخصیت های ایرانی است. (گارتز در یک مصاحبه رادیو - تلویزیونی رسماً اقرار کرده است که قبل از آمدن شاه به آمریکا از وی و بازرگان دربار و آکنش دولت جمهوری اسلامی، نسبت به مسافرت شاه به آمریکا نظر خواهی کرده است، و هیچکدام مخالفت جدی ایران را با این امر به او اعلام نکرده اند. اینک پس از ۹ ماه که از قیام خونین مردم ما می گذرد کوس رسوائی دوستان همدل قطب زاده بر سر ما هم زده شده است. مقامات مسئول و محبوب دیروز، امروز کویبسا رسوائی تمام و خالص اند. دیروز کوس رسوائی یزیدی و از عیاش وی با "سایروس ونس" بر سر ما هازده شد و فردا یزیدنده صادق قطب زاده، این دوست نزدیک "کوتام" کارشناس وزارت امور خارجه آمریکا در امور ایران برملا خواهد شد. مانند معروف یزیدی - چمران - قطب زاده به صیانت مهندس بازرگان نخست وزیر دولت، دشمنی خود را با مبارزه ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق های ایران و انقلابیون و نیروهای ترقی خواه به اندازه کافی اثبات نمودند. آنها از هیچ کوششی برای پیشبرد سیاست تبلیغاتی که در خدمت امپریالیسم آمریکا و سرمایه داری وابسته بدان است کوتاهی نکرده اند. سیاستی که از جمله قطب زاده مجری آن است می گوید این طور وانمود کند که همه سیاستمداران آمریکائی "بد" نیستند، عیب از گارتز است نه امپریالیسم آمریکا) در دستگاه خاکمه آمریکا هم آدم خوب پیدا می شود هم آدم بد. و "کندی ها" از همان امپریالیست های "خوب" هستند. که کویبسا را به حال بشر و برای مردم ما سوخته است. این سیاست بسا مهارت امپریالیسم را به مثابه مجموعه سیاست های تویس و تبلیغ می کند که تنها برخی از آنها علیه مردم ما به کار گرفته می شوند و بقیه آنها به سود مردم است. اکنون که "کندی ها" غوا فریبی خود را برای جلب آرا مردم آمریکا تشدید کرده اند، اکنون که "ادوارد کندی" منافع خود را در حمله به شاه تشخیص داده و مدعی شده که شاه با سیاست هایش به منافع آمریکا آسیب رسانیده و گارتز بهمه آورده آمریکا راه داده است، اکنون که گارتز آبرویش را باخته و کندی می گوید آب رفته را به جوی بازگرداند، اکنون که گارتز دارد می رود تا کندی بهایندو جای او را بگیرد، تلویزیون جمهوری اسلامی ایران در برنامه خبری دو شنبه شب (۱۲ آذر ۵۸) بی شرمانه می گوید "حاج الحق، ذوق الباطل". آری این است مفهوم حق و باطل از نظر این دستگاه تبلیغاتی کندی می آید، گارتز می رود.

شکست فعال در مبارزات سیاسی - صنفی دانشجویان چهره ای شخص پیدا کرد و در پی همین فعالیت ها بود که به سرکازی فستاده شد. پس از پایان سرکازی به دانشگاه بازگشت. در انتخابات شرکت های تعاونی دانشجویان یکی از اعضای هیئت مدیره بود. پس از تحریریم امتحانات سال ۵۵ تصمیم گرفت که دیگر به درس ادامه ندهد و رجنوب به کار لوله کشی و جوشکاری پرداخت. این کاری بود که قبلاً هم تابستان ها برای کمک به وضع مالی خانواده اش انجام می داد. سرانجام به سازمان چریک های فدائی خلق پیوست و پس از یک سال و نیم زندگی مخفی در ۱۸ آذر ۵۷ در یک برخورد مسلحانه درجه سزاده خرم آباد به مجرد به پادش رسید. خون ماس به خون دیگر شهدا پیوست. روزی سیلاب این خون امپریالیسم را نابود خواهد کرد. یاد او را گرامی می داریم

س. پس از پایان تحصیلات ابتدائی و متوسطه در همان شهر، وارد دانشکده کشاورزی کرج شد. با پایان دانشکده برای خدمت سربازی به تربت جام رفت. در تاریخ ۲۸ شهریور ۵۲ در محفل خدمت دستگیر شد و دو سال در زندان بود. پس از آزادی در شرکت ایلاتر که کار مشغول شد. در تاریخ ۲۳ آذرماه ۵۵ دستگیر شد و مزدوران ساواک که موفق به کشف ارتباط او با سازمان نشده بودند این فدائی راستین خلق را در زیر شکنجه به شهادت رساندند. پادش گرامی باد

گرامی باد خاطره همه شهدای ...

خرداد ۱۳۵۰ در وزارت منابع طبیعی استخدام شد و در تیرماه همان سال زندگی مخفی خود را آغاز کرد. در ۱۸ شهریور ۱۳۵۰ ضمن درگیری در خانه سازمانی کوی کن با ایجاد سد آتش در مقابل دشمن فرار به تن از بارانش (از جمله شاهرخ هدایتی و فرح سپهری) را تسهیل کرد و خود به دام پلیس افتاد. در بیمارستان ارتش چندین بار بخیه های راه به قصد خودکشی پاره کرد ولی موفق نشد. مزدوران ساواک تا ۱۱ روز حتی سام او را می دانستند. در آذرماه پس از تحمل شکنجه های بسیار در زیر شکنجه به شهادت رسید. در دی ماه ۵۰ ساواک با تحریف حقایق شهادت او را در یک درگیری اعلام کرد.

مردم میهن ها ناقطع کامل سلطه امپریالیسم آمریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

رفیق شهید حسن فرحودی در شهر لنگرود به دنیا آمد. رفیق حسن در دوران تحصیل در دبیرستان همواره با مطالعه

اتحاد و مبارزه کارگران، دهقانان و همه زحمتکشان آذربایجان

بقیه از صفحه ۱

بانوشتن شعارهای انقلابی که اهداف و منافع کارگران و زحمتکشان را دربرداشته باشد، بانوشتن اعلامیهها و تراکت‌های افشاگرانه، درافشای هرچه بیشتر این حرکت‌های ضدانقلابی و در جهت ارتقاء آگاهی توده‌ها بکوشید.

نابود باد توطئه‌ها - سازشکاران و فرصت‌طلبان - مرگ بر امپریالیسم جهانی - به سرکردگی امپریالیسم امریکا و وابستگانش

سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران - شاخه آذربایجان (نقل از فوق‌العاده نشریه راه سرخ، آذرماه ۱۳۵۸)

می‌گیرد حرکت نماید. هواداران سازمان، روشنفکران انقلابی هوادار طبقه کارگر، شما باید از هرگونه شرکت در تظاهرات راهپیمایی و میتینگ‌های لیبرال‌ها خودداری نمائید. در هر جا که هستیید، در کارخانه و کارگاه، در شهر و روستا، در مدرسه و دانشگاه، در کلیه اماکن عمومی و خصوصی از طریق صحبت و گفتگو با مردم، ماهیت درگیری‌های فوق‌رایه‌آنان توضیح دهید. اهداف طبقه کارگر در انقلاب را ترویج و تبلیغ نمائید.

فانون اساسی بود، فرصت را برای اعمال نظریات خود مناسب تشخیص داده با هوچی‌گری و با تحریک احساسات پاک مذهبی مردم آنها را دعوت به تظاهرات میتینگ و راهپیمایی نمودند. حرب جمهوری اسلامی خلق مسلمان، همراه با حرب شاهپور بختار خائن (حزب ایران) با دعوت به راهپیمایی روز پنجشنبه ۱۵ آذرماه مقدمات این عمل که مقارن با درگیری سروهی مسلح این دو جناح از روحانیت در اطراف منزل آیت‌الله شریعتداری در قم است، مناسبت نرب و وسیله تبلیغی و تهبیجی را به دست حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان می‌دهد تا با هوچیگری و تحریک عواطف مردم ناآگاه آنان را علیه روحانیت حاکم بسیج کرده و به دنبال اهداف یلید خود بکشانند.

نوده‌ها را در مجاری ماسوران ساواک منع کرده و با ضدانقلابی ظممداد کردن اینگونه حرکات مانع گسترش و هرچه عمیق‌تر شدن جنبش و دخالت مستقیم نوده‌ها در اداره انقلابی امور و به محازات رساندن ماسوران سرسیده امپریالیسم شدند. جناح لیسرال‌ها که مخالف حاکمیت روحانیت جناح آیت‌الله حبیبی و دخالت آنها در امور اقتصادی سیاسی، نظامی کشور بودند، به اعتبار منافع مشترکشان با جناح آیت‌الله شریعتداری عملاً به دور او حلقه زدند. در همان ماه‌های اول بعد از قیام آیت‌الله شریعتداری نیز برای متشکل کردن هواداران خود دستور تاسیس حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان ایران را به هوادارانش صادر کرد. حزب مزبور از همان آغاز کار خود با وضعیت‌گیری‌های به ظاهر رادیکال با دفاع از آزادی‌های سیاسی سعی کرد که نیروهای مخالف هیئت حاکمه را جذب خود نماید. این حزب سبک کار خود را ماهرانه به نحوی انتخاب نمود که بتواند با انگشت گذاشتن روی نارسائی‌ها و ضعف‌های حاکمیت و با دفاع از آزادی‌های سیاسی، عوام‌فریبانه خود را در صنف نیروهای واقعا انقلابی جا بزند.

کنه کار حبه‌ملی، روحانیون و سرمایه‌داران لیسرال (عیسوی انحصاری) که حاکمیت اقتصادی و سیاسی جناح انحصاری سرمایه‌داری وابسته مانع رشد و افزایش سریع سرمایه‌آنان بوده و عملاً آنها را در کنار کود سیاست نگه داشته بود درحالی‌که به عدت از وضع پیش آمده، یعنی رشد حبیبی انقلابی زحمتکشان ایران، به‌واسطه افتاده بودند، به سرهم، ماه نصیحت می‌کردند، "دیگراسی" به‌دهد تا نظام سلطنت، نظام ناهنتمایی، نظام سرمایه‌داری حفظ شود. در آن روزها آیت‌الله شریعتداری جزو همین جناح بود. در تمام طول سالهای حاکمیت رژیم وابسته امپریالیسم شاه آیت‌الله شریعتداری هیچگاه در کنار مردم در کنار زحمتکشان نبوده، بلکه همواره مورد احترام رژیم وابسته به امپریالیسم بوده است. در آن زمان سیر ایشان درحالی‌که خود را طرفدار مردم بنام می‌دادند، درحالی‌که ظاهر خود را آزادی‌خواه نشان می‌دادند عملاً از شاه تافاصداشتند که "قانون اساسی شاهنشاهی" را درست اجرا نمایند. وی با فائون اساسی شاهنشاهی موافق بود و علت مخالفتش با شاه این بود که چرا این قانون درست اجرا نمی‌شود.

کارگران، دهقانان و زحمتکشان آذربایجان. اینک که مبارزه ضد امپریالیستی رنجبران مبین مارج تازه‌ای گرفته است اینک که فریاد "مرگ بر امپریالیسم" کارگران، دهقانان و زحمتکشان فضای شهرها، خیابان‌ها و کوچه‌ها را پر کرده است. اینک که امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا از مبارزه قاطعانه توده‌ها علیه خود به وحشت مرگ‌افزاده، در این شرایط که نیروهای انقلابی تلاش می‌کنند تا مبارزه ضد امپریالیستی توده‌ها با اقدامات سریع و قاطع علیه امپریالیسم به نتایج انقلابی خود دست یابد و پایه‌های وابستگی اقتصادی سیاسی، نظامی و فرهنگی با امپریالیسم و در رأس آن امپریالیسم جهان خوار امریکا نابود گردد. اینک که نیروهای انقلابی در راه فراهم آوردن شرایط دیکراتیک مبارزه می‌کنند تا قادر به بسیج کارگران و زحمتکشان از طریق دادن آگاهی علمی و انقلابی به آنان شوند.

در مقطع اوج گیری مبارزه ضد امپریالیستی زحمتکشان در مقطعی که سفارت امریکا اشغال می‌گردد و آیت‌الله خمینی بر سر استرداد شاه از امریکا و حاکمیت و مجازات او اصرار می‌ورزد، از آیت‌الله شریعتداری و حزب او و هوادارانش هیچ اثر و نقشی دیده نمی‌شود.

آیت‌الله شریعتداری در آن روزها دست در دست سیاست‌بازان شناخته شده‌ای چون سنجابی و یارگران ناله می‌کرد "شاه باید سلطنت کند نه حکومت" چنان وانمود می‌کرد که این سیاست عاقلانه ترین سیاستی است که باید در مقابل شاه اتخاذ گردد. آیت‌الله شریعتداری در آن روزها نام سعی خود را بر این گذاشته بود تا محور مخالفت مردم را حول احزاب صحیح قانون اساسی شاهنشاهی "حول محدود شدن حیطه فعالیت و قدرت شاه، حول اصلاحات جزئی سیاسی و اقتصادی مردم فریب محدود نماید. او در خارج و در نظام سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم خواهان اهدای عطایای ملوکانه به زحمتکشان بود. اس موقع آیت‌الله شریعتداری با موضع قاطع آیت‌الله حبیبی در رابطه با سرکوبی قطعی شاه و سلطنت در تضاد آشکار بود. این نصاب که نمی‌توانست پوشیده ماند بیانگر دو موضع متفاوت و جناح از روحانیت در برابر رژیم وابسته به امپریالیسم شاه بود.

جناح‌های مختلف روحانیت با در پیش گرفتن سیاست‌های جاه‌طلبانه و مرتعانه خود و با سوء استفاده از نیروی لیسرال توده‌ها، مبارزه ضد امپریالیستی آنان را به انحراف کشیده و آن را به عنوان وسیله ای در خدمت قدرت‌طلبی‌های خود فرار داده اند. زحمتکشان قهرمان ایران و مخصوصاً در این شرایط خاص کارگران، دهقانان و زحمتکشان آذربایجان باید با عدم حمایت خود، با عدم شرکت در تظاهرات و راهپیمایی اعلام شده از جانب آنان، صفوف خود را مستقل و جدانگه دارند. زیرا زحمتکشان باید در صنفی متشکل گردند و به دنبال شعارهایی حرکت نمایند که از جانب سازمان‌های واقعا انقلابی طرفدار طبقه کارگر داده شده و به دنبال شعارهایی که منافع واقعی آنان را در سر

هدف آیت‌الله شریعتداری از انتقاد به ماده ۱۱۰ قانون اساسی که ولایت فقیه را رسمیت داده است نه به دلیل این که این قانون آزاده توده‌ها، آزاده و سوراها کارگران، دهقانان، و سربازان را نادیده گرفته و زیر پا می‌گذارد بلکه از این موضع است که چرا آزاده سرمایه‌داران لیبرال یعنی سهم این جناح در حاکمیت بورژوازی (به ظاهر می‌گویند حاکمیت ملی) را نادیده گرفته است.

بعد از مرار شاه و روزهای سردیک به نام ارتحاک آیت‌الله شریعتداری کار رژیم را تمام شده تلقی می‌کرد، درحالی‌که از اس وضع متأسر بودند، از مردم می‌خواستند که آرامش خود را حفظ نموده، به ارتش و شهربانی حمله نکنند. ایشان در آن روزها طی اعلامیه‌های مکرر هرگونه دخالت مستقیم

مبنای اعلامیه‌های که سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران شاخه آذربایجان روز پنجشنبه ۱۵ آذرماه منتشر کرد

نقل از فوق‌العاده نشریه راه سرخ تاریخ ۱۶ آذرماه

راهپیمایی پنجشنبه ۱۵ آذرماه تبریز را تحریم میکنیم

کذایی خبرگان پرنماید، بان که از شرکت در برای گیری قانون اساسی خود داری کرده و از زحمتکشان ایران خواستیم که در برای گیری شرکت ننماید، علیرغم تمامی مسائل پیاد شده از آنجا که دعوت کنندگان راهپیمایی روز پنجشنبه ۱۵ آذر خود مدافع سرمایه‌داران بزرگ وابسته به امپریالیسم هستند و فرصت طلبانه می‌خواهند مردم را به دنبال خود بکشاند تا اهداف پلید و صید ارتجاعی تر از مفاد مرتجعانه قانون اساسی را به تصویب برسانند، امپریالیسم و وابستگانش است، تحریم می‌کنیم و از تمامی خلق زحمتکشان آذربایجان می‌خواهیم که با تحریم انقلابی خود، طرفداران شاهپور بختیار این سگ زنجیری امپریالیسم امریکا و مرتجعان فرصت طلب مدافع سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم را اشاکتند.

خلق قهرمان آذربایجان عده‌ای با مضاهای گوناگون از قبیل حزب ایران (حزب شاهپور بختیار خائن) و... طی تراکت‌ها و اعلامیه‌های گوناگون مردم تبریز را به راهپیمایی علیه قانون اساسی تدوین شده در مجلس خبرگان دعوت کرده‌اند. آنها به این دلیل که قانون اساسی "حاکمیت ملی" را نادیده گرفته است و به این سبب که چون نظرات آیت‌الله شریعتداری را نشان نداده، مردم را در روز پنجشنبه ۱۵ آذر ۵۸ به راهپیمایی اعتراضی دعوت نموده‌اند.

ما ضمن آن که بارها اعلام کرده‌ایم که قانون اساسی مصوبه مجلس خبرگان نقض آشکار حقوق کارگران، دهقانان، خلق‌ها، زنان و... است، بان که اعلام کرده ایم که مجلس خبرگان صلاحیت تدوین قانون اساسی را نداشته و هیئت حاکمه حق نداشت مجلس موسسان، مجلس شوراهای کارگران، دهقانان و سربازان را منحل و جای آن را با مجلس

اعتراض پرسنل انقلابی ارتش

روز چهارشنبه ۱۶ آبان ماه گروهی ارفسان و درجه داران و سربازان یادگان تیپ یک زرهی اسلام آباد (شاه آباد غرب) در ساعت ۷ شب اقدام به یک راهپیمایی اعتراضی نمودند. این راهپیمایی از محل گردان ۱۳۲ شروع و به طرف ستاد ادامه یافت. در مسیر پرسنل دیگر یادگان به آنها ملحق شدند. راهپیمایان اعتراض در مقابل دفتر فرماندهی مستقر شده مسائل و خواست‌های صنفی - سیاسی خویش را با شرح ریز اعلام می‌دارند.

۱- لزوم تعطیل پنجشنبه
۲- اعلام اعتراض نسبت به اعرامشان به کردستان و اعلام این که حاضر به کشیدن اسلحه بر روی برادران کرد خود نیستند.

۳- افشای چند عنصر ضد انقلابی و ضد خلق مانند استوار فاضلی - استوار امیران و سروان توسل‌نیا که در گذشته از مزدوران ضد اطلاعات بوده و اکنون خود را سخت طرفدار اسلام معرفی نموده و با شرکت در کشتار خلق کسزد می‌کوشند و فاداری خود را به جمهوری اسلامی نشان دهند. نظامیان خواستار اخراج این مزدوران هستند.

۴- ضرورت رسیدگی به وضع سربازان و توجه به حقوق ماهانه آنها.

در همان اجتماع در مورد تعطیل پنجشنبه فرمانده یادگان اجباراً موافقت می‌کند اما از سر آورده شدن خواست‌های دیگر فعلاً خبری نیست.

نابود باد توطئه سازشکاران و فرصت‌طلبان

وقایع اخیر تریز و نقشه های ضد انقلابی سرمایه داران

امپریالیسم آمریکا و طبقه سرمایه دار از حزب جمهوری فدائی مستفان پشتیبانی می کنند

آنگاه که در این روزها مردم آگاه ما می دانند چشم و دماغ انقلابی خود را در سیاست های خارجی و داخلی، دقیق و بی خطا می بینند، پس چرا در سیاست داخلی و خارجی، سیاست های آمریکا را به ما تحمیل می کنند؟ چرا در سیاست داخلی و خارجی، سیاست های آمریکا را به ما تحمیل می کنند؟ چرا در سیاست داخلی و خارجی، سیاست های آمریکا را به ما تحمیل می کنند؟

تنها آنان که علیه امپریالیسم مبارزه می کنند، تنها آنان که در اندیشه های ایرانی آزاد و دمکراتیک هستند، تنها آنان که دشمن امپریالیسم و دشمن سرمایه داری وابسته هستند، دوست و دلجو مردم منده کسان که با هزاران رشته به امپریالیسم وابسته اند و امروز بنابه مصلحت نقاب اسلام خواهی و آزادی خواهی بر چهره زدند و از عواطف و احساسات و خواسته های حق مردم به نفع تحکیم سلطه سرمایه داران بهره برداری می کنند. علی رغم سازشکاری ها و پرده پوشی هایی که می شود، چون روز روشن است تلاش لیبرال ها یکسک "سوت فاهم" نیست، بلکه تلاشی است ضد مردمی که از جانب طبقه سرمایه دار ایران و امپریالیست های حامی آن صورت می گیرد و هدف آن تحکیم سلطه سرمایه داری وابسته است و همانطور که اوضاع و احوال نشان می دهد هر روز ابعاد گسترده تری می یابد.

مردم آگاه و مبارز ایران!
امروز که بیکار بزرگ و سهمگین خلق ما علیه امپریالیسم آمریکا و سرمایه داری وابسته به آن ابعاد تازه ای یافته است، بر عهده تمام انقلابیون و نیروهای سیاسی مترقی و ضد امپریالیست است که با تحکیم صفوف خود و طرد و افشای احزاب و محافل مدافع سرمایه داری وابسته، بیکار طبقه های توده های میلیونی میهن را عمق بخشند و اجازه ندهند هدف های این محافل جامعه عمل پوشد.

اتحاد عمل آگاهانه و همکاری و همگامی انقلابیون کمونیست و سایر نیروهای مترقی و ضد امپریالیست ضامن پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم ایران است.

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک طبقه کارگر و همه زحمتکشان ایران نابود باد جبهه فرصت طلبان و سازشکاران مسرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
۱۸ آذرماه ۵۸

مادر همین جا با صراحت تمام اعلام می کند، تمام سیاست های کهنه پرستانه و تلاش های ضد دمکراتیک محاسن خیرگان با نقض آشکار اساسی ترین حقوق ملت ایران برای نابودی سلطه امپریالیسم به پا خاسته اند، برای بیال کردن حقوق خلقی، تحت ستم میهن ما و نفوذ آشکار حاکمیت ستم توده ها و تصویب ولایت غیبه آشکارا آن حاکمیت ستم امپریالیسم و نوکرانش ریخته و مشخصا، محافل ضد انقلابی و نا شناخته سرمایه داری را تقویت کرده است.

قشربون که با بهره برداری از شور ضد امپریالیستی و احساسات مذهبی توده ها، این قانون اساسی را تجاری رابه مردم تحمیل کرده اند و همه کسانی که بر این سیاست های ارتجاعی مبرتا می زنند، راه راه ما را می کشند. محافل سرمایه داری و امپریالیست ها نقاب آزادی خواهی به چهره زدند و از خواسته های دمکراتیک و حق مردم به نفع خود سود جویی کنند احزاب و محافل مدافع سرمایه داری که طی ۲۵ سال دیکتاتوری شاه چنان پیکار، صم بکم خفقان گرفته و شب و روز بنارت دسترنج زحمتکشان مشغول بودند، تازه امروز "آزاد بخواه" شده و سنگ مردم را به سینه می زنند.

مردم ایران بدانند که این محافل هیچ قصدی جز کین کردن لبه تیز حمله توده ها علیه امپریالیسم آمریکا و نجات سرمایه داری ایران ندارند. اینها وقتی دیدند که مردم علیه امپریالیسم آمریکا و غارتگری طبقه سرمایه دار به پا خاسته اند، هر اسان شده و با استفاده از هر فرصتی می کوشند تا آمریکا و نوکرانش نفس تازه کنند و از نسله جبهه می خود را بر سر خلق های دلپروزنده مان تحکیم بخشند. این ها همان هاشی هستند که تا دیروز می گفتند: "شاه باید سلطنت کند، نه حکومت" اینها همان کسانی هستند که وقتی دیدند خشم میلیون ها مردم زجر کشیده ایران پا به پای رژیم شاهنشاهی به لرزه در آورده است، گفتند: "اعلی حضرت دیگر خسته و فرسوده شده اند، بهتر است جای خود را بملعبه تازان نفس بدهند."

خلق های مبارز ایران!
امروز بیش از هر زمان دیگر باید هوشیار بود که خواست های دمکراتیک توده ها مورد بهره برداری سرمایه داران لیبرال و همدستان در روزین رژیم شاه قرار نگیرد. باید قاطعانه این توطئه ها و نقشه های شوم محافل سرمایه داری و وابسته به امپریالیسم را افشا و جنبی کنیم و فرصت ندیم این عوامل سرمایه داران لیبرال از مبارزات حق طلبانه مردم به نفع خود استفاده کنند. ما نسبت به گسترش این توطئه ها به خلق قهرمان میهن هشدار می دهیم. هدف این توطئه ها منحرف کردن جهت اصلی مبارزات خلق های قهرمان ایران علیه امپریالیسم آمریکا و تضعیف کینه طبقاتی کارگران و زحمتکشان از طبقه سرمایه دار و نظام سرمایه داری است.

هم میهنان مبارز!
دروغ پردازی، عوام فریبی و سیاست های ضد مردمی دستگاه تلویزیون نیز که در جریان قایع گنبد، در جریان ربودن فرزندان آیت الله طالقانی، در تبلیغات مسموم کننده علیه خلق کرد و بسیاری از موارد دیگر شاهد بودیم، مورد خشم و نفرت مردم آگاه ایران است.

لیبرال ها که از خشم و نفرت توده ها علیه سیاست های تبلیغاتی ضد مردمی تلویزیون اطلاع دارند، اینک می کوشند از این خشم و نفرت نیز به سود منافع خود بهره برداری کنند.

کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان آذربایجان که با پیام فبرمانا نه مردم تریز علیه رژیم شاه چنان پیکار در پیشا پیش توده های انقلابی ایران به حرکت درآمدند، امروز مثل همه مردم میهن ما خواستار آنند که خواسته های عادلانه شان تحقق یابد. آنها خواستار ایجاد شورا های واقعی، ایجاد کار و تخمین حقوق دمکراتیک و آزادی های سیاسی هستند. آنها می خواهند زمین آن کشاورزانی باشد که روی آن کار می کنند، آنها می خواهند همه مظاهر ستم و استثمار سرمایه داری و ارتجاعی را نابود کنند و این همه در قانون اساسی مصوب مجلس خیرگان نایده گرفته شده است.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، در دفاع از حقوق دمکراتیک مردم، در بیانیه ۸ آذر درباره فرجام قانون اساسی مخالفت خود را با مجلس خیرگان که جای مجلس موسسان تشکیل شد، اعلام داشته و محتوای قانون اساسی خیرگان را ارتجاعی و مخالف منافع مردم دانسته است.

سازمان ما که در سخت ترین شرایط طی ۹ سال پیکار بی امان علیه دیکتاتوری شاه و سلطه امپریالیسم و با انتشار خون صدها شهید از منافع خلق زحمتکش دفاع کرده و در راه رهاشی توده ها از هیچ گونه فداکاری دریغ نرورزیده است، از تأشید این قانون اساسی و صحنه گذاشتن بر هر آنچه که مفا بر نافع توده ها است، قاطعانه خود داری کرده است.

خلق های مبارز ایران!
بعد نبال وقایع روزهای اخیر و درگیری های اطراف خانه آیت الله شهیدمدای در قم و کشته شدن یکی از پاسداران در جریان آن، اقداماتی توسط حزب جمهوری خلق مسلمانان تدارک دیده شده و مورد تأشید جبهه ملی و دیگر شرکای آن قرار گرفت. اقدامات و نقشه های این احزاب و محافل عمدتا زیر نقاب آزادی خواهی و مخالفت با قانون اساسی صورت می گیرد و از جانب محافل وابسته به طبقه سرمایه دار ایران، این با بگه اصلی امپریالیسم آمریکا در میهن ما پشتیبانی و تقویت می شود اقدامات این احزاب از جانب محافل وابسته به امپریالیسم جهانی و در رأس آن امپریالیسم آمریکا که دشمن اصلی خلق های ما است، با خوشحالی تمام استقبال و حمایت شده و تبلیغات رادیویی بی سی و شبکه های تلویزیونی آمریکا در روزهای اخیر خود بهترین نشانه چنین حمایتی است.

باند های جنایتکار دست پرورده امپریالیسم آمریکا در ارتش، در نیروی هوایی، در نیروی مینی و نیروی دریایی از این احزاب و محافل پشتیبانی کردند. سران جنایتکار ارتش که در جریان قیام بهمین ماه برای حفظ ارتش ضد خلقی و از ترس انتقام توده ها به دستور امپریالیسم آمریکا مطابق نقشه حساب شده هویز - بازرگان - بهشتی - قره باغی چهره مومی کرده و نام "اسلامی" روی خود نهاده اند، اینسک دوباره به تکرار افتاده و بهام ها و پیغام های آشکار و پنهان خود راه گوش گردانندگان پشت پرده این احزاب و محافل می رسانند و مادگی خود را برای اجرای توطئه های شوم ابراز می دارند.

شاه پور بختیار، این نوکر بی اختیار امپریالیسم آمریکا و کارگزار ابرو باخته شاه جنایتکار، کسی که توسط همین آقای بازرگان نو شرکاء از روز بازرگان فرار داده شد، در لندن و پاریس مشغول جلب حمایت امپریالیست ها و جمع آوری منابع مالی و مادی برای احزاب و سازمان های وابسته به سرمایه داری و سازماندهی توطئه های آنان علیه خلق های میهن ما است.

اقدام انقلابی دهقانان

"گل تپه" مراغه

دهقانان روستای "گل تپه" مراغه زمین های مالک را بهین خودشان تقسیم کردند. در تاریخ ۱۰ آبان دهقانان روستای "گل تپه" زمین های "حاجی کتابچی" یکی از تجار تبریز را مصادره و بین خود تقسیم کردند. دهقانان این منطقه اکثر برادر بیکاری آواره شهرها و مزرکز شده اند. اهالی ده بارها مالک خواسته بودند زمین هارا به آنها بفروشد ولی مالک حاضر نشده بود. به همین جهت زحمتکشان خود مستقلا دست به مصادره زمین هازدند.

کانون زنان شرکت حفاری سید ایران، کارکنان مبارز صنعت نفت اهواز، کارکنان اداره برنامهریزی، گروهی از کارکنان ساختمان بهره برداری، دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبه کارگر، اکثریت کارکنان اداره فرآورش و گسترش پروژه های خاص، انجمن اسلامی کارکنان صنعت نفت اهواز، کانون زنان مجتمع فولاد اهواز، کارکنان اداره حفاری ملی نفت ایران - اهواز، شورای کارگاهی بهره برداری شماره ۲ اهواز، کارگران پیشرو صنعت نفت - مناطق نفت خیز.

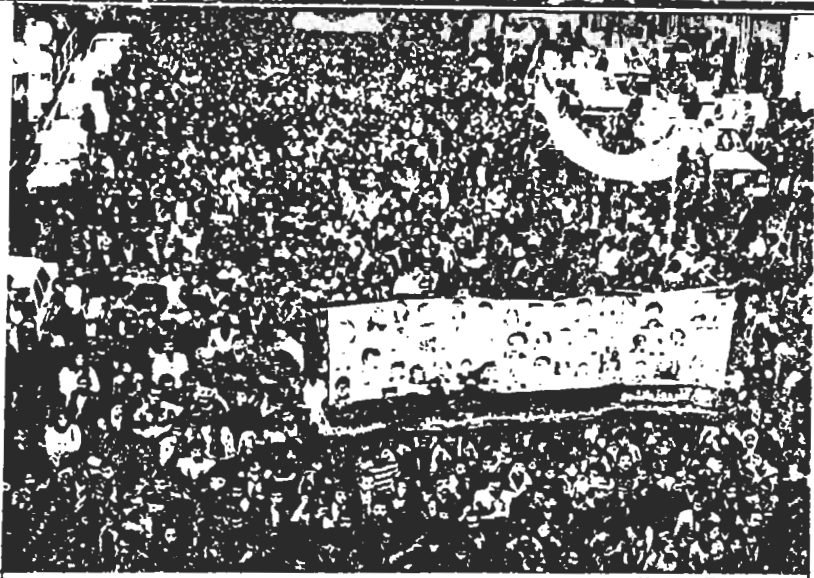
با این گروه داشت نه تنها عاملی مثبتی در جهت بر آوردن خواست های کارآموزان انجمن نداده است بلکه قصد برهم زدن تحصن و اتحاد آنها را نیز داشت. اتحاد و تحصن کارآموزان را سازمان ها و گروه های بسیاری پشتیبانی کردند از جمله گروهی از کارکنان شرکت ملی نفت. کارگران مبارز صنعت نفت اهواز گروهی از زنان شاغل صنعت نفت، سازمان دانشجویان پیشگام اهواز، کارکنان اداره تلگراف خانه، زمین شناسان شرکت نفت اهواز، کارکنان پیشرو صنایع فولاد،

آقای معین فرمینی براخراج این ۴۰ نفر صادر گردید. آنها بعد از این که از این خبر مطلع شدند در ساختمان مرکزی دست به تحصن زدند. بعد از گذشت چند روز از تحصن با شورا تماس گرفته و با چند تن از نمایندگان نزد مسئولین رفتند ولی جواب های سر بالا شنیدند. مثلا آقای رفوئی رئیس کل منطقه به آنها گفته است:

"آقای معین فر از تحصن و اعتصاب هیچ هراسی ندارد. حتی اگر تمام کارکنان دست از کار بکشند انجمن اسلامی هم طی تماسی که

چهل نفر از کارآموزان شرکت نفت که در خرداد ۵۷ بعد از گذراندن کلیه امتحانات مربوط به استخدام پذیرفته شده بودند، با اخراج دسته جمعی مواجه شدند. کارآموزان تا تاریخ ۲ اردیبهشت به کار خود مشغول بودند که خبر اخراجشان رسید. آنها بعد از گذراندن یک اعتصاب خواسته های خود را به گوسن نیز به مدیر عامل شرکت نفت رساندند که با موافقت نیز به مینی بر پذیرش چند مورد از خواسته هایشان به اعتصاب خود پایان دادند. در روز ۲۱ مهراهم دستوری از طرف

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا و وابستگانش



روز ۱۶ آذر، سالروز شهادت شهید رضوی، بزرگنیا و قندچی به دعوت سازمان دانشجویان پیشگام، دهها هزارتن در دانشگاه صنعتی پلی تکنیک گرد آمدند، شرکت کنندگان در این مراسم ضمن گرامی داشت خاطره شهیدای ۱۶ آذر و همه شهیدای خلق، آمادگی خود را برای مقابله با تهدیدات و تجاوزات امپریالیسم امریکایی اعلام داشتند. در این مراسم پیام‌های پشتیبانی زیادی خوانده شد و در پایان شرکت کنندگان در صفوفی فشرده در حالی که علی‌امیرالایسم امریکایی شعار می‌دادند، بسوی مرکز جاسوسی امریکایی راهپیمائی پس از قرائت قطعنامه سازمان دانشجویان پیشگام خاتمه یافت.

جاسوسان ارتش در خدمت تصفیه نیروهای آگاه و مبارز در آموزش و پرورش

اعلامه مذکور که در رده "محرمانه" بکلی سری رده بندی شده است رهنمودهای مورد نیاز این شبکه‌های جاسوسی آمده است. مابادرج این سند افشاگرانه خلق ایران و نیروهای آگاه و مبارز را در جریان یکی دیگر از توطئه‌های پلییدی که نشانگر ماهیت ضد مردمی ارتش و نیروهای مشابه آن است قرار می‌دهیم. باشدتکا از راه افشاکاری علیه این نهادهای ضد خلقی توطئه‌هایی را که علیه نیروهای انقلابی چیده می‌شود غنشی کنیم.

در امریه‌های فرمانده و اندامی جمهوری اسلامی به پیروی از ستاد مشترک ارتش خطاب به یگان‌های تابعه ژاندارمری صادر کرده است از مسئولین یگان‌ها خواسته می‌شود که پرسنل زیر دست خود را تشویق به ایجاد شبکه‌های جاسوسی علیه نیروهای مبارز در آموزش و پرورش به ویژه آموزگاران نمایند. در این عمل ضد مردمی به افسران "مورد اعتماد" توصیه می‌شود از فرزندان خردسال خویش به عنوان جاسوک‌های این شبکه‌ها استفاده کنند. در

... این سند در روزنامه‌های ایران به عنوان سند محرمانه و بسیار خطرناک به نام سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران منتشر شده است. این سند در دسترس افسران ارتش و پرسنل آنها قرار می‌گیرد. در این سند به شما توصیه می‌شود که به پرسنل ارتش و نیروهای مشابه آن تشویق کنید تا به شما کمک کنند تا به منظور مبارزه با این نیروها اقدامات لازم را انجام دهید. این سند در دسترس افسران ارتش و پرسنل آنها قرار می‌گیرد. در این سند به شما توصیه می‌شود که به پرسنل ارتش و نیروهای مشابه آن تشویق کنید تا به شما کمک کنند تا به منظور مبارزه با این نیروها اقدامات لازم را انجام دهید.

گرامی باد خاطره همه شهیدای بخون خفته خلق



فدائی شهید رفیق
سیروس سپهری



فدائی شهید رفیق
زهرا آقابنی‌لهگی



فدائی شهید رفیق
پرویز نصیر مسلم

رفیق شهید سیروس سپهری در سال ۱۳۲۶ در شهرستان بابل متولد شد. پس از تحصیلات دبیرستانی در سال ۱۳۴۵ وارد دانشکده کشاورزی شد. یک بار در اسفند ۱۳۴۶ بازداشت شد، سپس به سرپازی رفت. پس از پایان تحصیلات دانشگاهی در بقیه در صفحه ۹

آذرماه نیز مثل همه‌های دیگر سال، معادفاست با شهادت فرزندان راستین خلق‌های قهرمان ایران. سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران همراه با گرامی داشت خاطره مبارزات شهیدای خود، یاد همه شهیدان خلق را گرامی می‌دارد و راه‌سرخ شهیدای فدائیی را که در راه آرمان طبقه کارگر، دهقانان و همه زحمتکش‌ها میهن به شهادت رسیدند، با ایمان به پیروزی خلق ادامه می‌دهد.

توضیح درباره کمک‌های مالی

سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران همواره تنها به حمایت مردم قهرمان ایران تکیه داشته و امروز هم مانند همیشه متکی به پشتیبانی هواداران است. کمک‌های مالی خود را از هر طریق که می‌شنا سید و اطمینان داربد به دست رفقای سازمان برسانید. از آنجا که نمره‌هایی دیده شده است که عده‌ای با مقاصد مختلف با استفاده از نام سازمان به جمع‌آوری کمک‌های مالی می‌پردازند، به دوستان و رفقا توصیه می‌کنیم برای اطمینان از دریافت کمک‌ها پیشان توسط سازمان به رابط دریافت کننده پول یک عدد سه رقمی هم که خود شما انتخاب کرده‌اید، همراه با حرف اول نام خود به عنوان "کد" بدهید. سازمان "کد" مورد انتخاب شما را با رقم مبلغی (به ریال) که به سازمان پرداخته‌اید جمع کرده و با حرف اول نام شما در نشریه کار به چاپ می‌رساند و به این ترتیب شما اطمینان خواهید یافت که کمک مالی شما به سازمان رسیده است. لازم به تذکر است که این رابطه به هیچ وجه ضمانت تشکیلاتی نداشته و هرگز نمی‌تواند رابطه سیاسی - تشکیلاتی تلقی شود. ما از هم میهنان مبارزمی خواهیم بود که با دقت کافی نسبت به این مسئله مانع از سوء استفاده عناصر فرصت طلب شوند.

پیام هیئت نمایندگی خلق کرد به کنگره شوراهای روستائی ترکمن صحرا

داخلي است حيات سياسي و اجتماعي آنها را چنان به هم گره زده است که تامین حقوق ملي هر يك از این خلق‌ها جدا از دیگران امکان پذیر نیست. در این میان خلق مبارز ترکمن که هم بار ستم ملي را به دوش می‌کشند و سالها دراز به وسیله زمین داران بزرگ استثمار شده است با تشکل چشمگیر خود در صف مبارزات خلق‌های ایران جای خاصی پیدا کرده است. مبارزه علیه زمینداران، ارتجاع داخلی و امپریالیسم تبعیض تاریخی سنگینی همانا امپریالیسم جهانی و ارتجاع خلق مبارز ترکمن. در این لحظات حساس تاریخ مبارزات خلق‌های ایران، خلق کرد به مثابه پرچمدار مبارزه در راه استقرار خود مختاری بر این عقیده است، حل مساله ملي در کردستان تنها در پیوند با تأمین خواست‌های زحمتکش و دیگر خلق‌های ایران امکان پذیر است. خلق‌های کرد، عرب، ترکمن، بلوچ و تترک هر چند ویژگی‌های خاص خود را دارند، لیکن ستم‌های ملي و طبقاتی و وجود دشمن مشترک که همانا امپریالیسم جهانی و ارتجاع

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر